

واقعه

در علامه و نشانہ نامی ظہور منجی (حضرت قائمؑ)

و تسایع و احوالات مردم قبل از ظہور

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

واقعه

در علائم و نشانه‌های ظهور منجی قائم (ع)

و در احوال مردم قبل از ظهور

مؤلف: جواد ایمانی

ایمانی، جواد
 واقعه در علائم و نشانه‌های ظهور منجی قائم علیه السلام و در احوال مردم
 قبل از ظهور/مؤلف جواد ایمانی. - قم بخشایش. ۱۳۸۱.
 ۴۴ ص.
 ISBN ۹۶۴-۷۰۹۰-۵۵-۲
 فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.
 فارسی - عربی.
 کتابنامه: ص. ۴۴.
 ۱. مهدویت - انتظار. ۲. محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق..
 الف. عنوان. ب. عنوان: علائم و نشانه‌های ظهور منجی قائم (عج) و در
 احوال مردم قبل از ظهور.
 ۲ و ۹ الف/۴/۲۲۴ BP
 ۲۹۷/۴۶۲

واقعه

مؤلف: جواد ایمانی
 ناشر: اوج علم
 شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه
 نوبت چاپ: اول ۱۳۸۱
 چاپ: محمد
 لیتوگرافی: امام سجاد علیه السلام
 مرکز پخش: قم

صفحه	فهرست
۴	مقدمه
۵	مهمترین علائم ظهور
۵	اول: گرفتن خورشید در نیمه رمضان و گرفتن ماه در آخر آن
۶	دوم: کم شدن اموال و انفس و ثمرات و ترس و گرسنگی
۷	سوم: ظاهر شدن دودی آشکار در آسمان:
۸	چهارم: صیحه آسمانی
۹	پنجم: فروغ کردن شخصی بنام سفیانی
۱۰	ششم: فروغ دجال:
۱۲	هفتم: طلوع خورشید از جانب مغرب
۱۲	هشتم: نازل شدن بیست و چهار باران پی در پی
۱۳	وقایع و علامات قبل قیام قائم (ع) و بعد از آن
۱۴	اموال مردم قبل از ظهور
۳۲	توضیح و ذکر
۳۲	ربا
۳۶	زنا
۳۷	امر به معروف و نهی از منکر
۳۸، ۳۹	وقایع و اموات مردم قبل از ظهور

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

حمد و ستایش خدای را که تعلیم نمود انسان را آنچه را نمی دانست و درود و سلام بر جمیع انبیاء از حضرت آدم تا حضرت خاتم الانبیاء محمد مصطفی ﷺ و درود و سلام بر اوصیاء او دوازده امام علیهم السلام مخصوصاً حضرت قائم مهدی موعود (عج) منجی بشریت؛ کسی که روزی به امر خدای رحمن خواهد آمد و جهان را پر از عدل و داد خواهد نمود و در آن زمان کسی ظلم کرده نمی شود و کسی ظلم نمی کند و فقر و فاقه از میان برداشته می شود و مردم به سعادت زندگی نمایند و منجی کسی است که اکثر مذاهب او را می شناسند ولی با اسم های مختلف گرچه نام مختلف و با الفاظ مختلف او را تشبیه کرده اند ولی مسمی یکی است و او همان حضرت قائم آل محمد (علیه و علی آبائه السلام) است، به دلیل اینکه اکثر ادیان آسمانی بوده و خداوند یگانه جل شانه آنها را به رسولانش نازل فرموده و در این بشارت مطلب یکی است گرچه کتب مقدس ادیان سابقه تحریف شده ولی این قسمت و بعضی از قسمتهای آن مصون از تحریف مانده. چونکه کتابی درباره علائم و نشانه های ظهور منجی حضرت قائم (عج) به فارسی در بازار نیافتیم بر خود واجب دیدم برای روشن شدن مطلب کتابی در این زمینه بنگارم و سعی کرده شد آنچه که صحیح و حق است گفته شود بلکه تا شاید در اعمال خود بنگریم و از تکبر و خودکامگی بیرون آمده خود را اصلاح نمائیم و سعی کردم به طور اختصار در هر زمینه و علامت بقدر لزوم و احتیاج توضیح دهم تا ذهن خواننده خسته نگردد و برای هر کس مفید باشد انشاء الله که مورد قبول درگاه حق واقع شود.

و درود بر کسی که تبعیت نمود هدایت را.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

علائم ظهور ناجی بشریت حضرت قائم (عج) بسیار است. اما مهمترین آنها که یقینی و حتمی است که دانستن آنها بر هر انسانی لازم است. عبارتند از:

۱- گرفتن خورشید در نیمه ماه رمضان و گرفتن ماه در آخر رمضان بر خلاف عادت.

۲- کم شدن اموال و جانها و ثمره‌ها

۳- ظاهر شدن دودی آشکار در آسمان

۴- صیحه آسمانی

۵- خروج شخصی بنام سفیانی

۶- خروج شخصی بنام دجال

۷- طلوع خورشید از جانب مغرب

۸- نازل شدن ۲۴ باران پی در پی

و لازم است که تمام این هشت نشانه را مورد بررسی قرار دهیم.

اما نشانه اول: گرفتن خورشید در نیمه رمضان و گرفتن ماه در آخر رمضان بر خلاف عادت

از امام محمد باقر منقول است که قبل از ظهور قائم (عج) (منجی بشریت) دو نشانه می‌باشد: کسوف خورشید در نیمه رمضان و خسوف ماه در آخر

رمضان و این دو نشانه نبوده‌اند از زمان هبوط^(۱) آدم عليه السلام و این روایت صحیح است و شکی در آن نیست.

أَمَّا نَشَانَةُ دَوْمٍ: كَمَ شَدْنِ أَمْوَالٍ وَ انْفِسٍ وَ ثَمَرَاتٍ وَ تَرَسٍ وَ كَرَسَنَگِ
 دلیل در این مطلب گفتار خداوند متعال می‌باشد که در آخرین کتاب آسمانی قرآن مجید سوره بقره آیه (۱۵۱) می‌باشد. که خداوند متعال فرموده است:
وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَ بَشِّرِ الصَّابِرِينَ.

یعنی و هر آینه البته امتحان می‌کنیم شما را به چیزی از ترس و گرسنگی و کم کردن از مالها و جانها و ثمره‌ها و بشارت بده صبر کنندگان را.
 و روایات دلالت می‌کنند که قبل از ظهور منجی حضرت قائم (عج) خداوند متعال مؤمنین را امتحان می‌کند به چیزی از ترس و گرسنگی و کم کردن از مالها و کم کردن از جانها یعنی مرگ همه گیر و سریع و کم کردن از ثمرات و آنچه‌هایی که بشر برداشت می‌کند از میوه جات و غلات و در این هنگام بشارتی است برای صابرین به تعجیل خروج قائم (عج) (منجی) و از امیرالمؤمنین علی عليه السلام منقول است که قبل از آمدن قائم (عج) مرگ سرخی و مرگ سفیدی است و آمدن ملخ است در فصل آن و آمدن ملخ بی موقع برنگ خون اما مرگ سرخ شمشیر است (که همان جنگ است) و مرگ سفید طاعون است.

در روایات موجود است قبل از ظهور منجی حضرت قائم (عج) اکثریت مردم از بین می‌روند و این نیز بخاطر اعمال انسانها است پس ای انسان بیدار شو و از کارهای ناپسند خود توبه کن قبل از اینکه فرصت را از دست بدهی و

۱- یعنی فرود آمدن حضرت آدم عليه السلام به کره زمین.

بشتاب به سوی رستگاری.

اکثر بلیاتی که بر انسان نازل می‌شود از جنگ و زلزله و غیره از اعمال بدش می‌باشد هر عملی از اعمال انسان از خوبی و بدی در مقابلش عکس‌العملی دارد اگر بد باشد بد بیند و اگر خوب باشد خوب بیند.

پس نگو جنگ چرا؟ فلان بلیه چرا؟ باید اعمال خودمان را درست کنیم تا از بلیات نجات یابیم و در امان باشیم و خیر دنیا و آخرت را داشته باشیم. انسان خیال نکند که در این دنیای فانی هر کاری که بخواهد می‌تواند بکند و بحال خود واگذار می‌شود. نه چنین نیست بلکه انسان گر چه افعالش اختیاری است و از کار خیر و شر هر کدام را خواهد می‌تواند انجام دهد ولی تا مدتی معین و این فرصت بی‌نهایت نیست و بعد از آن فرصت، انسان بجزای اعمالش می‌رسد چه در این دنیا و چه در آخرت پس ای انسان بر تو لازم است که اندیشه کنی و کارهای ناپسند و حرام را از کارهای نیک تشخیص دهی و این ممکن نیست مگر به تهذیب و پاکیزه کردن علم پس ای انسان بیدار شو، آنچه به عقل سلیم نزدیک و آنچه مطلوب خداوند متعال است انجام ده تا در این دنیا و آخرت سرافراز باشی.

اَمَّا نِشَانِ سَيِّئِم: ظاهر شدن دودی آشکار در آسمان:

این نیز حتمی است و سوره دخان دلالت بر این مطلب دارد. و این نیز عذابی است برای مردم بخاطر اعمالشان.

زمانیکه دود در آسمان ظاهر می‌شود تضرع و زاری می‌کنند عذاب شوندگان و می‌گویند پروردگارا بردار از ما عذاب را بدرستی که ما توبه‌کنندگانیم، ایمان آوردگانیم. پس بر می‌دارد خدای متعال عذاب را از ایشان. ولیکن کمی

از اعمال زشت و کفر خود بر می‌گردند.

پس ای بشر جسارت تا چه اندازه عذاب را می‌بینی و توبه می‌کنی باز دوباره
نقض توبه می‌کنی و دوباره به اعمال زشت روی می‌آوری پس بدها به حالت.

اما نشانه چهارم: صیحه آسمانی^(۱)

قول خداوند متعال بر این مطلب دلالت دارد. سوره ق:

**وَاسْتَمِعْ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ
بِالْحَقِّ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ.**

یعنی استماع کن در روزی که ندا می‌زند منادی از مکان قریب در روزی که
می‌شنوند مردم صیحه بحق و درستی را. آن روز، روز خروج می‌باشد (خروج
منجی بشریت که همان مهدی موعود است).

اما چگونگی نداء: آنچه در روایات موجود می‌باشد:

نداء اول روز، که صیحه می‌زند صیحه زننده‌ای بخلائق از آسمان که
می‌شنود هر که در زمین و آسمانها است ای مردم این مهدی آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
است و می‌خواند او را به اسم جدش رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و می‌گوید کنیه‌اش را
و نسبت می‌دهد او را به پدرش امام حسن عسگری عَلَيْهِ السَّلَام تا حسین بن علی عَلَيْهِمَا السَّلَام
و می‌گوید مبایعه کنید او را هدایت می‌یابید و مخالفت نکنید امرش را پس
گمراه می‌شوید.

سپس آخر روز فریاد می‌زند شیطان از زمین: ای گروه خلائق بتحقیق
ظاهر شد پروردگار شما در وادی خشک از زمین فلسطین و او عثمان بن
عنبسه اموی است از فرزند یزید بن معاویه پس مبایعه و بیعت کنید او را؛

۱- به صدای خیلی بلند صیحه گفته می‌شود.

هدایت یابید و مخالفت نکنید او را.

پس ردّ می کنند ملائکه و جنّ و نقباء قول شیطان را و تکذیب می کنند قول او را.

البته لازم بذکر است بنابر تحقیق در روایات مطلبی که در اوّل روز صیحه زده می شود درباره منجی بشریت مهدی موعود و آباء کرام او و حقانیت او است و بیعت کردن با او و تبعیت کردن از او و بر ما واجب است که به نداء اوّل لبیک بگوئیم و با او بیعت کنیم و در رکاب آنحضرت بچنگیم چون او ولی خداوند متعال است و او ست نجات دهنده و اما نداء دوّم را رئیس الشیاطین ابلیس (لعنة الله علیه) دم می زند که برای گمراه کردن مردمان این نداء را می زند که بر ما لازم است که از او تبعیت ننمائیم.

و جمیع معصومین که منسوب از جانب خداوند متعال هستند بر این مطلب سفارش کرده اند پس بر ما لازم است که راه راست را انتخاب کنیم مگر اینکه نخواهیم.

فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَ مَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ اِنَّا اَعْتَدْنَا لِلظّالِمِينَ نَارًا اَحَاطَ بِهَمَّ سُرَادِقِهَا. (آیه ۲۹ سوره کهف)

یعنی: پس هر که خواهد پس ایمان بیاورد و هر که خواهد پس کافر شود. بدرستی که ما آماده کرده ایم برای ستمکاران آتشی را که احاطه کرده بآنها سراپرده آن.

نشانه پنجم: خروج کردن شخصی بنام سفیانی

سفیانی کیست؟ بنابر آنچه در روایات متعددی ذکر شده او از اولاد یزید بن معاویه بن ابو سفیان است و اسم او عثمان بن عنبسه می باشد.

او خبیث‌ترین مردم است و ملعون در آسمان و زمین است و شرورترین خلق خدای متعال است و بسیار ظلم و فساد می‌کند. او مردی است میان بالا دارای صورت وحشتناک و دارای هیکل بزرگ، در صورتش اثر ابله است زمانی که نگاه کنی او را، گمان می‌کنی که کور است. او از شام خروج می‌کند و سرزمین‌های زیادی را تصرف می‌کند و قتل و فساد زیادی می‌کند و عاقبت بدست قائم آل محمد صلی الله علیه و آله کشته می‌شود.

نشانه ششم: خروج دجال:

دجال کیست؟ در روایات می‌باشد که اسم او صاید بن صید است و از زمان پیامبر خدا خاتم انبیاء حضرت محمد مصطفی موجود بوده و هم اکنون نیز موجود است تا زمان مقدر. پیامبر خدا امت خود را از فتنه دجال بسیار بیم داده. پس بدبخت کسی است که او را تصدیق کند و سعادت‌مند کسی است که او را تکذیب نماید.

و از اطراف شهری بنام اصبهان خروج می‌کند و او مردی عریض است و چشم راستش ممسوح^(۱) است و چشم دیگرش در پیشانی‌اش می‌درخشد گویا آن مانند ستاره صبح است که در آن علقه است. ما بین دو چشمش نوشته شده «کافر». خروج می‌کند این شخص و ادعای خدائی می‌کند که به بلندترین صدایش، بطوری که کسانی که بین مشرق و مغرب هستند صدای او را می‌شنوند، می‌گوید: **أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى الَّذِي خَلَقَ فَسْوَى وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَى** یعنی من پروردگار بلند مرتبه شما هستم آن کسی که آفرید پس راست کرد و آنکسی که مقدر و اندازه کرد پس هدایت کرد و آنکسی

که رویانید مرغزار و گیاهان را.

و نمی‌شنود ادعای او را کسی، مگر اینکه تبعیت می‌کند او را مگر کسی را که خداوند متعال خواهد و اعمالش درست باشد. و جمع می‌شوند با او مردم شقی و بدکردار بسیاری.

برایش بهشتی و جهنمی می‌باشد. پس می‌گوید این بهشت برای کسی است که سجده کند برایم و کسی که سرکشی کند مرا داخل می‌کنم او را در جهنم. عجائب بسیار نماید از آوردن و رویانیدن گیاهان و اشجار و اظهار گنجهای زمین و زنده نمودن کشته گان و نمودن بهشت و دوزخ و غیره.

برای او الاغی است عریض و طویل و بزرگ و عجائبی و غرائبی با این شخص و الاغش می‌باشد. او خارج می‌شود در زمان قحطی شدید که با اوست کوهی از نان و کوهی از گوشت که حرکت می‌کنند آن دو کوه جلوی او و کم نمی‌شود از آنها پس عطاء می‌کند هر کسی را که اقرار کند به خدائی و ربیت او^(۱). پس امام معصوم علیه السلام فرمود ای مردم آگاه باشید و بدرستیکه او دروغگو و ملعون است و آگاه باشید پس بدانید بدرستیکه پروردگار شما کور نیست و طعام نمی‌خورد و نوشیدنی نمی‌نوشد و اوست همیشه زنده نمی‌میرد؛ بدست اوست خوبیها و او بر هر چیزی تواناست. بدان که دجال بر هر کاری قادر نیست. پس ای انسان در تهذیب نفس از گناهان و خطاها و در تهذیب علم از دانستنیهای اشتباه و بی‌اساس کوشا باش تا جزء زیانکاران نباشی که همانا **طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ** که کسب دانش واجب است بر هر مرد مسلمان و زن مسلمان. بلکه بر هر انسانی که به واسطه دانش مفید انسان هدایت می‌یابد و حق را از باطل تشخیص می‌دهد.

آخر عاقبت خداوند متعال او را بدست کسی که نماز می‌گذارد حضرت مسیح

عیسی بن مریم علیهما السلام پشت سر او یعنی حضرت قائم (عج) از بین می‌برد. و در روایت دیگری است که بدست حضرت عیسی بن مریم علیه السلام کشته می‌شود.

تذکر: خروج و ظهور کردن دجال آزمایشی است برای جهانیان پس خوشحال کسی که از این آزمایش سربلند بیرون آید.

نشانه هفتم: طلوع خورشید از جانب مغرب.

این نشانه نیز حتمی است و شکی در وقوع آن نیست و جزء آیات الهی است. در روایات معتبر منقول است که طلوع خورشید از مغرب حتمی است. و همچنین بعض ادیان به این مطلب معتقدند.

و نیز روایات صحیح دال است بر اینکه طلوع خورشید از مغرب قبل از حکومت فراگیر و جهانی منجی بشریت قائم آل محمد صلی الله علیه و آله می‌باشد. و کسانی که شک دارند پس باید منتظر باشند تا آیات الهی را ببینند و ایمان بیاورند.

نشانه هشتم: نازل شدن بیست و چهار باران پی در پی.

در اخبار منقول از معصومین علیهم السلام موجود است. چون قیام آنحضرت نزدیک شود. در ماه جمادی الاخری و ده روز از ماه رجب بر مردم بارانی بیبارد که مانند آنرا ندیده باشند زمین زنده می‌شود و برکاتش آشکار می‌شود پس زمین زنده می‌شود بعد از مرگش.

علامات کثیره‌ای در قیام قائم (عج) نام برده شده که مهمترین آنها گفته

شد و جهة اطلاع آنچه در کتب علماء ذکر شده و لازم بود ذکر می شود.
وقایع و علامات قبل قیام قائم (ع) و بعد از قیام او غیر از آنچه که ذکر شد.
۱- قتل حسنی ۲- فرو رفتن زمین در بیداء ۳- فرو رفتن زمین در
مغرب و مشرق

- ۴- راکد شدن خورشید از هنگام زوال (ظهر) تا وسط اوقات عصر
- ۵- ذبح شدن مرد هاشمی بین رکن و مقام در مکه مکرمه
- ۶- خراب شدن دیوار مسجد کوفه
- ۷- آمدن لشکری سیاه پوش یا لشکری دارای پرچم سیاه از طرف خراسان
- ۸- خروج یمانی
- ۹- خروج مغربی در مصر و مالک شدن او شامات را
- ۱۰- نزول تُرک الجزیره را
- ۱۱- نزول روم رمله را
- ۱۲- طلوع ستاره در مشرق که می درخشد مانند ماه سپس تا می خورد
سپس تا می خورد تا اینکه نزدیک است برخورد کند و بچسبد دو طرفش بهم.
- ۱۳- قرمزی در آسمان ظاهر می شود و در آفاق آسمان منتشر می شود.
- ۱۴- آتشی ظاهر میشود در مشرق بطور طولی و باقی می ماند در جو سه روز
یا هفت روز و زجر داده می شوند به آن مردم بخاطر اعمالشان.
- ۱۵- کشتن اهل مصر امیرشان را
- ۱۶- خرابی در شام و اختلاف سه لشکر در آن
- ۱۷- دو قسمت شدن آب فرات تا اینکه داخل می شود آب به تنگه کوفه.
- ۱۸- خروج ۶۰ کذاب که همه آنها ادعا می کنند نبوت را
- ۱۹- خروج ۱۲ نفر از آل ابی طالب که ادعا می کنند امامت را برای خودشان.
- ۲۰- بلند شدن بادی سیاه در بغداد در اول روز و آمدن زلزله تا اینکه فرو

می برد زمین، کثیری از اهل بغداد را و ترسی که شامل می شود اهل عراق را.
۲۱- زیاد شدن زلزله

۲۲- اختلاف عجم و ریختن خونهای زیادی در بین آنها.

۲۳- مسخ شدن عده ای از اهل بدعت تا اینکه می گردند میمون و خوک.

۲۴- ظاهر شدن صورت و سینه ای در خورشید.

۲۵- خروج دابه ای از زمین که سخن می گوید با مردم و آن حیوان عظیمی است

۲۶- مردگانی که زنده می شوند از قبور باذن الله تعالی تا اینکه بر می گردند

به دنیا پس می شناسند همدیگر را و ازدواج می کنند.

۲۷- نزول حضرت عیسی بن مریم علیهما السلام از آسمان و اقتداء کردن

او به قائم (عج).

بعضی از این حوادث حتمی است و بعضی از آنها مشروط است یعنی اگر مردم بخواهند و

خودشان را اصلاح کنند و توبه نمایند خداوند متعال از آنها دفع بلاء خواهد نمود مثل زلزله

احوال مردم قبل از ظهور

فِي بَهَارِ الْأَنْوَارِ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ حَجَجْتُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ (ص) حَجَّةَ الْوُدَّاعِ فَلَمَّا قَضَى النَّبِيُّ (ص) مَا افْتَرَضَ عَلَيْهِ مِنَ الْحَجِّ أَتَى مَوْدِعَ الْكَعْبَةِ فَلَزِمَ حَلْقَةَ الْبَابِ وَ نَادَى بِرَفِيعِ صَوْتِهِ أَيُّهَا النَّاسُ فَاجْتَمَعَ أَهْلُ الْمَسْجِدِ وَ أَهْلُ السُّوقِ فَقَالَ اسْمَعُوا إِنِّي قَائِلٌ مَا هُوَ بَعْدِي كَاتِنٌ فَلْيَبْلُغْ شَاهِدِكُمْ غَائِبِكُمْ ثُمَّ بَكَى رَسُولُ اللَّهِ (ص) حَتَّى بَكَى لِبُكَائِهِ النَّاسُ أَجْمَعِينَ فَلَمَّا سَكَتَ مِنْ بُكَائِهِ قَالَ اعْلَمُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ أَنْ مَثَلَكُمْ فِي هَذَا الْيَوْمِ كَمَثَلِ وَرَقٍ لَأَشْوَكٍ فِيهِ إِلَى أَرْبَعِينَ وَ مِائَةَ سَنَةٍ ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ شَوْكٌ وَ وَرَقٌ إِلَى مِائَتَيْ سَنَةٍ ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ شَوْكٌ لَأَشْوَكٍ فِيهِ حَتَّى لَا يُرَى فِيهِ إِلَّا سُلْطَانُ جَابِرٍ أَوْغِنِي

بَخِيلٌ أَوْ عَالِمٌ مُرَاعِبٌ فِي الْمَالِ أَوْ فَقِيرٌ كَذَابٌ أَوْ شَيْخٌ فَاجِرٌ أَوْ صَبِيٌّ
 وَقَحٌّ أَوْ امْرَأَةٌ رَعْنَاءٌ ثُمَّ بَكَى رَسُولُ اللَّهِ فَقَامَ إِلَيْهِ سَلْمَانُ الْفَارَسِيُّ (ره)
 وَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَخْبِرْنَا مَتَى يَكُونُ ذَلِكَ فَقَالَ (ص) يَا سَلْمَانُ إِذَا
 قَلَّتْ عُلَمَاؤُكُمْ وَذَهَبَتْ قِرَاؤُكُمْ وَقَطَعْتُمْ زَكَاتَكُمْ وَأَظْهَرْتُمْ مُنْكَرَاتِكُمْ وَ
 عَلَتْ أَصْوَاتُكُمْ فِي مَسَاجِدِكُمْ وَجَعَلْتُمُ الدُّنْيَا فَوْقَ رُؤُسِكُمْ وَالْعِلْمَ
 تَحْتَ أَقْدَامِكُمْ وَالْكَذِبَ حَدِيثُكُمْ وَالْغَيْبَةَ فَكَيْهَتِكُمْ وَالْحَرَامَ غَنِيمَتِكُمْ
 وَلَا يَرْحَمُ كَبِيرُكُمْ صَغِيرُكُمْ وَلَا يُوقِرُ صَغِيرُكُمْ كَبِيرُكُمْ فَعِنْدَ ذَلِكَ تُنْزَلُ
 اللَّعْنَةُ عَلَيْكُمْ وَيُجْعَلُ بِأَسْكُمْ بَيْنَكُمْ وَبَقِي الدِّينِ لَفْظًا بِالسَّتِّكُمْ فَإِذَا
 أُوتِيتُمْ هَذِهِ الْخِصَالِ تَوَقَّعُوا الرِّيحَ الْحَمْرَاءَ أَوْ مَسْخَا أَوْ قَذْفًا بِالْحِجَارَةِ
 وَتَصْدِيقُ ذَلِكَ فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَى أَنْ يَبْعَثَ
 عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبَسَكُمْ ثِيبًا وَيُذِيقَ
 بَعْضَكُمْ بِأَسِّ بَعْضٍ أَنْظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ. فَقَامَ
 إِلَيْهِ جَمَاعَةٌ مِنَ الصَّحَابَةِ فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ أَخْبِرْنَا مَتَى يَكُونُ ذَلِكَ
 فَقَالَ (ص) عِنْدَ تَأْخِيرِ الصَّلَاةِ وَاتِّبَاعِ الشَّهَوَاتِ وَشُرْبِ الْقَهَوَاتِ وَ
 شَتْمِ الْأَبَاءِ وَالْأُمَّهَاتِ حَتَّى تَرُونَ الْحَرَامَ مُغْنِمًا وَالزَّكَاةَ مُغْرَمًا وَاطِّعَ
 الرَّجُلُ زَوْجَتَهُ وَجَفَا جَوَارَهُ وَقَطَعَ رَحْمَةً وَذَهَبَتْ رَحْمَةُ الْأَكَابِرِ وَقَلَّ
 حَيَاءُ الْأَصَاغِرِ وَشَيَّدُوا الْبُنْيَانَ وَظَلَمُوا الْعَبِيدَ وَالْأَمَاءَ وَشَهَدُوا بِالْهَوَى
 وَحَكَمُوا بِالْجَوْرِ وَيَسُبُّ الرَّجُلُ أَبَاهُ وَيَحْسُدُ الرَّجُلُ أَخَاهُ وَيُعَامِلُ
 الشَّرْكَاءَ بِالْخِيَانَةِ وَقَلَّ الْوَفَاءُ وَشَاعَ الزَّوْنُ وَتَزَيَّنَ الرَّجُلُ بِثِيَابِ النِّسَاءِ
 وَسَلَبَ عَنْهُمْ قِنَاعَ الْحَيَاءِ وَدَبَّ الْكِبْرُ فِي الْقُلُوبِ كَدَيْبِ السَّمِّ فِي
 الْأَبْدَانِ وَقَلَّ الْمَعْرُوفُ وَظَهَرَتِ الْجَرَائِمُ وَهُونَتِ الْعِظَائِمُ وَطَلَبُوا
 الْمَدْحَ بِالْمَالِ وَأَنْفَقَ الْمَالُ لِلْغَاءِ وَشَغِلُوا بِالدُّنْيَا عَنِ الْآخِرَةِ وَقَلَّ الْوَرَعُ
 وَكَثُرَ الطَّمَعُ وَالْمَهْرَجُ وَالْمَرْجُ وَأَصْبَحَ الْمُؤْمِنُ ذَلِيلًا وَالْمُنَافِقُ عَزِيزًا

مَسَاجِدُهُمْ مَعْمُورَةٌ بِالْأَذَانِ وَ قُلُوبُهُمْ خَالِيَةٌ مِنَ الْإِيمَانِ وَاسْتَخَفُوا
 بِالْقُرْآنِ بَلَّغَ الْمُؤْمِنِينَ عَنْهُمْ كُلَّ هَوَانٍ فَعِنْدَ ذَلِكَ تَرَى وَجُوهَهُمْ وَجُوهَ
 الْأَدَمِيِّينَ وَ قُلُوبَهُمْ قُلُوبَ الشَّيَاطِينِ كَلَامُهُمْ أَهْلَى مِنَ الْعَسَلِ وَ قُلُوبُهُمْ
 أَمْرٌ مِنَ الْحَنْظَلِ فَهَمْ ذَنَابٌ وَ عَلَيْهِمْ ثِيَابٌ مَا مِنْ يَوْمٍ؛ إِلَّا يَقُولُ اللَّهُ
 تَعَالَى: أَفَبِي تَفْتَرُونَ أَمْ عَلَيَّ تَجْتَرُونَ أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَ
 أَنَّكُمْ إِلَهَاتُنَا لَا تَرْجِعُونَ فَوَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي لَوْ لَا مَنْ يَعْبُدُنِي مُخْلِصًا مَا
 أَمَهَلْتُ مَنْ يَعْصِينِي طُرْفَةَ عَيْنٍ وَ لَوْ لَا وَرَعُ الْوَرَعِينَ مِنْ عِبَادِي لَمَا
 أَنْزَلْتُ مِنَ السَّمَاءِ قُطْرَةً وَ لَا أَنْبِتُ وَرَقَةً خَضِرَاءَ فَوَا عَجَبًا لِقَوْمٍ
 آلِهَتُهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَ طَالَتْ أَمَالُهُمْ وَ قَصُرَتْ أَجَالُهُمْ وَ هُمْ يَطْعَمُونَ فِي
 مُجَاوِرَةٍ مَوْلَاهُمْ وَ لَا يُصَلُّونَ إِلَى ذَلِكَ إِلَّا بِالْعَمَلِ وَ لَا يَتَمُّ الْعَمَلُ إِلَّا
 بِالْعَقْلِ. (الزَّامِ النَّاصِبِ ج ٢ ص ١٣٦ وَ ص ١٣٧)

ترجمه

(جابر بن عبدالله انصاری) گفت: حج کردم با رسول خدا ﷺ حجة الوداع را
 پس زمانی که به جا آورد نبی ﷺ واجبات حج را، آمد محل وداع، کعبه را؛ پس
 ملازم شد حلقهٔ درب کعبه را و صدا زد به بلندترین صدایش ای مردم؛ پس
 جمع شدند اهل مسجد و اهل بازار پس فرمود بشنوید: بدرستی که من
 گوینده‌ام آنچه را که بعد از من واقع شونده است پس باید ابلاغ کند حاضرین از
 شما، غائبین را؛ سپس گریه نمود رسول خدا ﷺ، تا اینکه گریه کردند مردم
 همگی به خاطر گریه او، پس چونکه ساکت شدند مردم از گریه او؛ فرمود: بدانید
 رحمت کند خداوند شما را، بدرستی که مثل شما در این روز مانند مثل برگ
 است که خاری در آن نیست تا صد و چهل سال؛ سپس می‌آید از بعد آن خار
 و برگ تا دویست سال سپس می‌آید از بعد آن خار که نیست در آن برگ، تا

اینکه نبینند در آن زمان مگر سلطان جابر یا ثروتمند بخیل یا عالمی که مراغب است در مال یا فقیر دروغگو یا پیرمرد فاجر یا صبی^۱ بی شرم یا زن سست سپس گریه نمود رسول خدا ﷺ پس ایستاد سلمان فارسی (ره) و گفت ای رسول خدا خبر بده ما را چه وقت می باشد آن پس فرمود حضرت رسول ﷺ ای سلمان زمانیکه کم شود علماء شما و بروند قراء شما و ندهید زکات را و ظاهر کنید منکرات را و بالا برود صداهایتان در مساجدتان و قرار دهید دنیا را بالای سرهایتان و علم را زیر پاهایتان؛ و دروغ گفتارتان است و غیبت لذت شما است و حرام غنیمت شما است و رحم نمی کند بزرگ شما کوچکتان را و احترام نمی کنند کوچکانتان بزرگانتان را پس در این هنگام نازل می شود لعنت بر شما و قرار داده می شود جنگ و عذاب بینتان و باقی می ماند دین لفظی در زبانهایتان پس زمانیکه آمد شما را این خصال و صفات، منتظر باشید باد سرخ را یا مسخ شدن را یا سنگ باران شدن را، و تصدیق این مطلب در کتاب خداوند عز و جل می باشد:

قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِّنْ تَحْتِ أَرْضِكُمْ أَوْ يَلْبَسَكُمْ سِيبًا وَ يَذِيقُ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ أَنْظُرْ كَيْفَ نَصَرَفَ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ.

یعنی بگو (ای پیامبر) او قادر است بر اینکه مبعوث کند بر شما عذابی را از بالایتان یا از زیر پاهایتان یا بهم اندازدتان گروهائی غیر متفق و بچشاند برخی از شما را آسیب و عذاب و جنگ برخی؛ بنگر چگونه می گردانیم آیتها را، باشد که ایشان بفهمند.

پس ایستادند بطرف رسول خدا ﷺ جماعتی از صحابه، پس گفتند ای رسول خدا خبر ده ما را چگونه می باشد آن. پس فرمود حضرت محمد ﷺ:

۱- صبی بکسی گفته می شود که سن طفولیت را رد کرده و بحد بلوغ رسیده باشد.

هنگام تأخیر نماز و متابعت کردن شهوات و خواهشها و نوشیدن شراب و دشنام دادن پدران و مادران تا اینکه شمرده می شود حرام غنیمت و عایدی و زکات تاوان و زیان؛ و اطاعت می کند مرد زوجه اش را و جفا می کند به همسایه اش و قطع رحم می کند و می رود رحمت بزرگان و کم می شود حیاء کوچکان و کودکان و بلند ساخته می شود ساختمانها و ستم می کنند غلامان و کنیزان^(۱) را و شهادت می دهند به هوی و خواهش نفس و حکم می کنند به جور و ستم و دشنام می دهد مرد پدرش را و حسادت می ورزد مرد برادرش را و معامله می کنند شرکاء به خیانت کردن به هم و کم می شود وفاء و شیوع پیدا می کند زنا و آراسته می کنند مردان خود را به لباس زنان و سلب می شود از زنان پرده حیاء و می خزد کبر در قلبها مانند خزیدن سم در بدنها و کم می شود معروف و کارهای نیک و ظاهر و آشکار می شود جرائم و سبک و بی اهمیت شمرده می شود عظام^(۲) و طلب می کنند مدح کردن به مال و انفاق می کنند مال را برای فایده بردن و مشغول می شوند دنیا اعراض کننده از آخرت و کم می شود ورع و پرهیزکاری و زیاد می شود طمع و هرج و مرج؛ و صبح می کند مؤمن ذلیل و خوار و صبح می کند منافق عزیز؛ مساجدشان آباد است به اذان و قلوبشان خالی از ایمان است، سبک می شمروند قرآن را، خسته و غمگین می شود مؤمن از آنها هر هنگام، پس در این هنگام می بینی صورتهایشان را صورت آدمی و قلبهایشان قلوب شیاطین، سخنانشان شیرین تر از عسل و قلبهایشان تلخ تر از حنظل پس آنها گرگند و بر آنهاست لباسهای آنچنانه روز (یعنی در اصل اینها گرگند ولی بشکل آدمی هستند و لباس آدمی بر تن دارند.)

آگاه باشید: می فرماید خدای متعال: آیا پس به من افتراء می زنید یا بر من جرئت پیدامی کنید؟ آیا پس پنداشتید و گمان کردید که آفریدیم شما را به عبث

۲- مراد امور و مسائل عظیم دین است.

۱- ظاهراً مراد پسران و دختران است.

و آنکه شما بسوی ما باز نمی‌گردید؟ پس قسم به عزّت‌م و جلال‌م اگر نمی‌بودند کسانی که عبادت کنند مرا از روی اخلاص، مهلت نمی‌دادم کسانی که سرکشی می‌کنند مرا طرفه عین (یک لحظه)، و اگر نمی‌بود ورع و پرهیزکاری پرهیزکاران از بندگانم هر آینه نازل نمی‌کردم از آسمان قطره‌ای و نمی‌رویاندم برگ سبزی.

پس ای عجب برای گروهی که خدایانشان مالهایشان است و طولانی شده آرزوهایشان و حال آنکه کوتاه شده مهلتشان و عمرشان و اینها طعام می‌خورند در مجاورت مولا و سرورشان و نماز نمی‌گذارند به سوی آن مگر به عمل و تمام نمی‌باشد عمل مگر بواسطه عقل. (یعنی با اینکه مردم نماز می‌خوانند ولی در اصل نماز نمی‌گذارند بسوی خداوند متعال چونکه عملشان و افعالشان خراب است چون دروغ می‌گویند و تهمت می‌زنند و زنا می‌کنند و رشوه می‌دهند و کم فروشی می‌کنند و غش و تقلب در جنس می‌کنند و غیره پس نماز بسوی خداوند در صورتی صدق می‌کند که همراه عمل به واجبات و ترک محرمات صورت گیرد و عمل هم کامل نمی‌شود مگر اینکه عقل بخود راه دهد و بیندیشد و خود و خدای خود را بشناسد و بداند برای چه آمده و برای چه می‌رود و برای چه نماز می‌خواند و آیا برای مال اندوزی آمده پس اگر چنین است پس چرا می‌رود و نظائر این افکار که **سَاعَةً تَفَكَّرًا أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِ سَنَةٍ عِبَادَةٍ** یعنی یک ساعت تفکر صحیح بهتر است از هزار سال عبادت.

و روایتی دیگر از رسول خدا ﷺ که در حجة الوداع بیان نمودند به همین مضامین روایت قبل نقل شده که بجهت اختصار به ترجمه بعضی موارد اکتفاء می‌شود.

يشبه الرجال بالنساء و النساء بالرجال و یرکبن ذوات الفروج السروج من امتی فعليهن من امتی لعنة الله یعنی شبیه می‌شوند مردان به زنان و زنان به مردان و سوار می‌شوند صاحبان فروج (دختران و زنان) از امت

من زینها را پس برایشان لعنت خدا (نزد عقل سلیم مراد زین موتور سیکلت و دوچرخه و زین اسب می باشد مخصوصاً منفرداً و تنهائی که باعث جلب توجه افراد می شود)

و در این زمان می باشد امارت و وزارت زنان و مشاورت کردن کنیزان و نشستن کودکان بر منبرها و مشارکت می کند زن با زوجش در تجارت بجهت حرص بر دنیا و در این زمان آراسته و زینت داده می شود خانه ها و عبادتگاهها و آراسته می شوند کتابها^۱ و طولانی می شود مناره ها و در آن هنگام آراسته می کنند ذکور و مردان از امت من خودشان را به طلا و می پوشند لباس ابریشمی و دیباچ (ممکن است مراد لباسهای نقاشی شده و مصور باشد و ممکن است لباسی باشد که بیش از اندازه زیبا می باشد).

در این هنگام ظاهر می شود ربا؛ و معامله می کنند به غیبت و رشوه؛ و کنار می گذارند دین را و بالا می برند دنیا را و زیاد می شود طلاق، پس اقامه نمی شود برای خداوند متعال حدی و حال آنکه ضرر نمی رساند خداوند را چیزی. و می باشند گروهی که تفقه می کنند برای غیر خدا و زیاد می شود اولاد زنا، و غنا می خوانند به قرآن و هجوم می آورند بدنیاء. و در این هنگام هتک شود محارم و کسب شود گناهان و مسلط شوند اشرار بر خوبان و شیوع پیدا می کند دروغ و آشکار می شود نیازها و خواسته ها و شیوع پیدا می کند فقر، و مباحثات و فخر فروشی می کنند در لباس و...

و انکار می کنند امر به معروف و نهی از منکر را تا اینکه می باشد مؤمن در آن زمان ذلیلترین از امت و نمی ترسد ثروتمند مگر فقر را تا اینکه سائل هر آینه سؤال می کند بین جمع؛ درست نمی پندارد کسی اینکه قرار دهد در دستش چیزی را. در این هنگام می آید ایشانرا امیران ستمکار و وزیران فاسق و دانشمندان ظالم و أمناء خیانتکار. (الزام الناصب ج ۲ ص ۱۳۸ تا ۱۴۰)

و فی روضة الكافي عن ابی عبدالله (ع)
 .. وَ رَأَيْتَ الدِّينَ قَدْ انْكَفَأَ كَمَا يَنْكَفَى الْمَاءُ وَ رَأَيْتَ أَهْلَ الْبَاطِلِ قَدْ
 اسْتَعْلَوْا عَلَى أَهْلِ الْحَقِّ وَ رَأَيْتَ الشَّرَّ ظَاهِرًا لَا يُنْهَى عَنْهُ وَ يُعْذَرُ
 أَصْحَابُهُ وَ رَأَيْتَ الْفِسْقَ قَدْ ظَهَرَ وَ اكْتَفَى الرَّجَالُ بِالرِّجَالِ وَ النِّسَاءُ
 بِالنِّسَاءِ وَ رَأَيْتَ الْمُؤْمِنَ صَامِتًا لَا يُقْبَلُ قَوْلُهُ وَ رَأَيْتَ الْفَاسِقَ يَكْذِبُ وَ لَا
 يُرَدُّ عَلَيْهِ كَذِبُهُ وَ فِرْيَتُهُ وَ رَأَيْتَ الصَّغِيرَ يَسْتَحْقِرُ بِالْكَبِيرِ وَ رَأَيْتَ
 الْأَرْحَامَ قَدْ تَقَطَّعَتْ وَ رَأَيْتَ مَنْ يَمْتَدِحُ بِالْفِسْقِ يَضْحَكُ مِنْهُ وَ لَا يُرَدُّ
 عَلَيْهِ قَوْلُهُ وَ رَأَيْتَ الْغُلَامَ يُعْطَى مَا تُعْطَى الْمَرْأَةُ وَ رَأَيْتَ النِّسَاءَ
 يَتَزَوَّجْنَ بِالنِّسَاءِ وَ رَأَيْتَ الثَّنَاءَ قَدْ كَثُرَ وَ رَأَيْتَ الرَّجُلَ يُنْفِقُ الْمَالَ فِي
 غَيْرِ طَاعَةِ اللَّهِ فَلَا يُنْهَى عَنْهُ وَ لَا يُؤْخَذُ عَلَى يَدَيْهِ وَ رَأَيْتَ النَّاطِرَ يَتَعَوَّذُ
 بِاللَّهِ مِمَّا يَرَى الْمُؤْمِنَ فِيهِ مِنَ الْأَجْتِهَادِ وَ رَأَيْتَ الْجَارَ يُؤْذِي جَارَهُ وَ
 لَيْسَ لَهُ مَانِعٌ وَ رَأَيْتَ الْكَافِرَ فَرِحًا لِمَا يَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِ، مَرِحًا لِمَا يَرَى
 فِي الْأَرْضِ مِنَ الْفَسَادِ وَ رَأَيْتَ الْخُمُورَ تُشْرَبُ عَلَانِيَةً وَ يَجْتَمِعُ عَلَيْهَا
 مَنْ لَا يَخَافُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ رَأَيْتَ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ ذَلِيلًا وَ رَأَيْتَ
 الْفَاسِقَ فِيمَا لَا يُحِبُّ اللَّهُ قَوِيًّا مَحْمُودًا وَ رَأَيْتَ صَاحِبِي الْأَثَارِ
 يُحْتَقِرُونَ وَ يُحْتَقَرُ مَنْ يُحِبُّهُمْ وَ رَأَيْتَ سَبِيلَ الْخَيْرِ مُنْقَطِعًا وَ سَبِيلَ
 الشَّرِّ مَسْلُوكًا وَ رَأَيْتَ بَيْتَ اللَّهِ قَدْ عَطَّلَ وَ يُؤْمَرُ بِتَرْكِهِ وَ رَأَيْتَ الرَّجُلَ
 يَقُولُ مَا لَا يَفْعَلُهُ وَ رَأَيْتَ الرَّجَالَ يَتَسَمَّنُونَ لِلرِّجَالِ وَ النِّسَاءُ لِلنِّسَاءِ وَ
 رَأَيْتَ الرَّجُلَ مَعِيشَتُهُ مِنْ دُبُرِهِ وَ مَعِيشَةُ الْمَرْأَةِ مِنْ فَرْجِهَا وَ رَأَيْتَ
 النِّسَاءَ يَتَّخِذْنَ الْمَجَالِسَ كَمَا يَتَّخِذُهَا الرَّجَالُ وَ رَأَيْتَ التَّأْنِيثَ فِي وَلَدِ
 الْعَبَاسِ قَدْ أَظْهَرُوا الْخَضَابَ وَ امْتَشَطُوا كَمَا تَمْشُطُ الْمَرْأَةُ لِزَوْجِهَا وَ
 اعْطُوا الرَّجَالَ الْأَمْوَالَ عَلَى فُرُوجِهِمْ وَ تَنُوفِسَ فِي الرَّجُلِ وَ تَغَايَرَ عَلَيْهِ
 الرَّجَالُ وَ كَانَ صَاحِبُ الْمَالِ أَعَزَّ مِنَ الْمُؤْمِنِ وَ كَانَ الرَّبَا ظَاهِرًا لَا يُعِيرُ

وَكَانَ الزُّنَا تَمْتَدِّحُ بِهَا النِّسَاءُ وَرَأَيْتَ الْمَرْأَةَ تُصَانِعُ زَوْجَهَا عَلَى نِكَاحِ
الرِّجَالِ وَرَأَيْتَ أَكْثَرَ النَّاسِ وَخَيْرَ بَيْتٍ مَنْ يُسَاعِدُ النِّسَاءَ عَلَى
فِسْقِهِنَّ وَرَأَيْتَ الْمُؤْمِنَ مَحْزُونًا مُحْتَقِرًا ذَلِيلًا وَرَأَيْتَ الْبِدْعَ وَ الزُّنَا قَدْ
ظَهَرَ وَرَأَيْتَ الرِّجَالَ يَعْتَدُونَ بِشَهَادَةِ الزُّورِ وَرَأَيْتَ الْحَرَامَ يُحَلَّلُ وَ
رَأَيْتَ الْحَلَالَ يُحَرَّمُ وَرَأَيْتَ الدِّينَ بِالرَّأْيِ وَ عَطَّلَ الْكِتَابُ وَ أَحْكَامُهُ وَ
رَأَيْتَ اللَّيْلَ لَا يُسْتَخْفَى بِهِ مِنَ الْجُرْأَةِ عَلَى اللَّهِ وَرَأَيْتَ الْمُؤْمِنَ لَا
يَسْتَطِيعُ أَنْ يُنْكَرَ إِلَّا بِقَلْبِهِ وَرَأَيْتَ الْعَظِيمَ مِنَ الْمَالِ يُنْفِقُ فِي سَخَطِ
اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَرَأَيْتَ الْوَلَاةَ يَقْرُبُونَ أَهْلَ الْكُفْرِ وَ يُبَاعِدُونَ أَهْلَ الْخَيْرِ وَ
رَأَيْتَ الْوَلَاةَ يَرْتَشُونَ فِي الْحُكْمِ وَرَأَيْتَ الْوَلَاةَ قِبَالَةَ لِمَنْ زَادَ وَرَأَيْتَ
ذَوَاتِ الْأَرْحَامِ يُنْكَحْنَ وَ يُكْتَفَى بِهِنَّ وَرَأَيْتَ الرَّجُلَ يُقْتَلُ عَلَى التُّهْمَةِ
وَ عَلَى الظَّنِّ وَ يُتَغَايَرُ عَلَى الرَّجُلِ الذَّكَرُ فَيَبْذُلُ لَهُ نَفْسَهُ وَ مَالَهُ وَرَأَيْتَ
الرَّجُلَ يُعَيِّرُ عَلَى أُتْيَانِ النِّسَاءِ وَرَأَيْتَ الرَّجُلَ يَأْكُلُ مِنْ كِسْبِ امْرَأَتِهِ
مِنَ الْفُجُورِ يَعْلَمُ ذَلِكَ وَ يُقِيمُ عَلَيْهِ وَرَأَيْتَ الْمَرْأَةَ تَقْهَرُ زَوْجَهَا وَ تَعْمَلُ
مَا لَا يَشْتَهِي وَ تُنْفِقُ عَلَى زَوْجِهَا وَرَأَيْتَ الرَّجُلَ يُكْرِي امْرَأَتَهُ وَ
جَارِيَتَهُ وَ يَرْضَى بِالْدَنِيِّ مِنَ الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ وَرَأَيْتَ الْإِيمَانَ بِاللَّهِ عَزَّ
وَ جَلَّ كَثِيرَةً عَلَى الزُّورِ وَرَأَيْتَ الْقَمَارَ قَدْ ظَهَرَ وَرَأَيْتَ الشَّرَابَ يُبَاعُ
ظَاهِرًا لَيْسَ لَهُ مَانِعٌ وَرَأَيْتَ النِّسَاءَ يَبْذُلْنَ أَنْفُسَهُنَّ لِأَهْلِ الْكُفْرِ وَ
رَأَيْتَ الْمَلَاهِي قَدْ ظَهَرَتْ يَمْرُبُهَا لَا يَمْنَعُهَا أَحَدٌ أَحَدًا وَ لَا يَجْتَرِيءُ
أَحَدٌ عَلَى مَنَعِهَا وَرَأَيْتَ الشَّرِيفَ يَسْتَذِلُّهُ الَّذِي يُخَافُ سُلْطَانَهُ وَرَأَيْتَ
أَقْرَبَ النَّاسِ مِنَ الْوَلَاةِ مَنْ يَمْتَدِّحُ بِشْتِمْنَا أَهْلِ الْبَيْتِ وَرَأَيْتَ مَنْ
يُحِبُّنَا يُزَوِّرُ وَ لَا تُقْبَلُ شَهَادَتُهُ وَرَأَيْتَ الزُّورَ مِنَ الْقَوْلِ يَتَنَافَسُ فِيهِ وَ
رَأَيْتَ الْقُرْآنَ قَدْ ثَقُلَ عَلَى النَّاسِ اسْتِمَاعُهُ وَ خَفَّ عَلَى النَّاسِ اسْتِمَاعُ
الْبَاطِلِ وَرَأَيْتَ الْجَارَ يُكْرِمُ الْجَارَ خَوْفًا مِنْ لِسَانِهِ وَرَأَيْتَ الْحُدُودَ قَدْ

عُطِّلَتْ وَ عُمِلَ فِيهَا بِالْأَهْوَاءِ وَ رَأَيْتَ الْمَسَاجِدَ قَدْ زُخِرْفَتْ وَ رَأَيْتَ
 أَضْدَقَ النَّاسِ عِنْدَ النَّاسِ الْمُفْتَرِي الْكُذِبِ وَ رَأَيْتَ الشَّرَّ قَدْ ظَهَرَ وَ
 السَّعْيَ بِالنَّمِيمَةِ وَ رَأَيْتَ الْبَغْيَ قَدْ فَشَا وَ رَأَيْتَ الْغَيْبَةَ تُسْتَمْلَحُ وَ يُبَشَّرُ
 بِهَا النَّاسُ بَعْضُهُمْ بِبَعْضٍ وَ رَأَيْتَ طَلَبَ الْحَجِّ وَ الْجِهَادَ لِغَيْرِ اللَّهِ وَ رَأَيْتَ
 السُّلْطَانَ يَذِلُّ لِلْكَافِرِ الْمُؤْمِنِ وَ رَأَيْتَ الْخَرَابَ قَدْ أُدِيلَ مِنَ الْعِمْرَانِ وَ
 رَأَيْتَ الرَّجُلَ مَعِيشَتَهُ مِنْ بَخْسِ الْمِكْيَالِ وَ الْمِيزَانِ وَ رَأَيْتَ سَفْكَ
 الدَّمَاءِ يَسْتَخِفُّ بِهَا وَ رَأَيْتَ الرَّجُلَ يَطْلُبُ الرِّيَاسَةَ بِغَرَضِ الدُّنْيَا وَ
 يَشْهَرُ نَفْسَهُ بِخَبَثِ اللِّسَانِ لِيَتَّقَى وَ يُسْنِدُ إِلَيْهِ الْأُمُورَ وَ رَأَيْتَ الصَّلَاةَ
 قَدْ اسْتَخَفَّ بِهَا وَ رَأَيْتَ الرَّجُلَ عِنْدَهُ الْمَالُ الْكَثِيرُ وَ لَمْ يُزَكِّهِ مِنْذُ مُلْكِهِ وَ
 رَأَيْتَ الْمَيِّتَ يُنْشَرُ مِنْ قَبْرِهِ وَ يُؤَدَّى وَ تُبَاعُ أَكْفَانُهُ وَ رَأَيْتَ الْهَرَجَ قَدْ
 كَثُرَ وَ رَأَيْتَ الرَّجُلَ يُمَسِي نَشْوَانَ وَ يُصْبِحُ سَكْرَانَ لَا يَهْتَمُّ بِمَا النَّاسُ
 فِيهِ وَ رَأَيْتَ الْبِهَائِمَ تُنْكَحُ وَ رَأَيْتَ الْبِهَائِمَ تَفْتَرِسُ بَعْضُهَا بَعْضًا وَ
 رَأَيْتَ الرَّجُلَ يَخْرُجُ إِلَى مُصَلَّاهُ وَ يَرْجِعُ وَ لَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ مِنْ ثِيَابِهِ وَ
 رَأَيْتَ قُلُوبَ النَّاسِ قَدْ قَسَتْ وَ جَمَدَتْ أَعْيُنُهُمْ وَ ثَقُلَ الذِّكْرُ عَلَيْهِمْ وَ
 رَأَيْتَ السُّحْتَ قَدْ ظَهَرَ يُتَنَافَسُ فِيهِ وَ رَأَيْتَ الْمُصَلِّيَ إِنَّمَا يُصَلِّي لِيَرَاهُ
 النَّاسُ وَ رَأَيْتَ الْفَقِيهَ يَتَفَقَّهُ لِغَيْرِ الدِّينِ يَطْلُبُ الدُّنْيَا وَ الرِّيَاسَةَ وَ رَأَيْتَ
 النَّاسَ مَعَ مَنْ غَلَبَ وَ رَأَيْتَ طَالِبَ الْحَلَالِ يُذَمُّ وَ يُعَيَّرُ وَ طَالِبَ الْحَرَامِ
 يُمَدَحُ وَ يُعَظَّمُ وَ رَأَيْتَ الْحَرَمِينَ يُعْمَلُ فِيهِمَا بِمَا لَا يُحِبُّ اللَّهُ لَا
 يَمْنَعُهُمْ مَانِعٌ وَ لَا يَحُولُ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ الْعَمَلِ الْقَبِيحِ أَحَدٌ وَ رَأَيْتَ
 الْمَعَارِيفَ ظَاهِرَةً فِي الْحَرَمِينَ وَ رَأَيْتَ الرَّجُلَ يَتَكَلَّمُ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ وَ
 يَأْمُرُ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ فَيَقُومُ مَنْ يَنْصَحُهُ فِي نَفْسِهِ
 فَيَقُولُ هَذَا عَنكَ مَوْضُوعٌ وَ رَأَيْتَ النَّاسَ يَنْظُرُ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ وَ
 يَقْتَدُونَ بِأَهْلِ الشَّرِّ وَ رَأَيْتَ مَسْلَكَ الْخَيْرِ وَ طَرِيقَهُ خَالِيًا لَا يَسْلُكُهُ وَ

رَأَيْتَ الْمَيِّتَ يَمُرُّ بِهِ فَلَا يَفْزَعُ لَهُ أَحَدٌ وَ رَأَيْتَ كُلَّ عَامٍ يَحْدُثُ فِيهِ مِنَ الشَّرِّ وَ الْبِدْعَةِ أَكْثَرُ مِمَّا كَانَ وَ رَأَيْتَ الْخَلْقَ وَ الْمَجَالِسَ لَا يُتَابِعُونَ إِلَّا الْآغْنِيَاءَ وَ رَأَيْتَ الْمُحْتَاجَ يُعْطَى عَلَى الضَّحْكِ بِهِ وَ يُرْحَمُ لِغَيْرِ وَجْهِ اللَّهِ وَ رَأَيْتَ الْآيَاتَ فِي السَّمَاءِ لَا يَفْزَعُ لَهَا أَحَدٌ وَ رَأَيْتَ النَّاسَ يَتَسَافِدُونَ كَمَا يَتَسَافِدُ الْبُهَائِمُ لَا يُنْكِرُ أَحَدٌ مُنْكَرًا تَخَوُّفًا مِنَ النَّاسِ وَ رَأَيْتَ الرَّجُلَ يُنْفِقُ الْكَثِيرَ فِي غَيْرِ طَاعَةِ اللَّهِ وَ يَمْنَعُ الْيَسِيرَ فِي طَاعَةِ اللَّهِ وَ رَأَيْتَ الْعُقُوقَ قَدْ ظَهَرَ وَ اسْتَخَفَّ بِالْوَالِدَيْنِ وَ كَانَا مِنْ أَسْوَأِ النَّاسِ حَالًا عِنْدَ الْوَلَدِ وَ يَفْرَحُ بَأَنْ يَفْتَرِيَ عَلَيْهِمَا وَ رَأَيْتَ النِّسَاءَ قَدْ غَلَبْنَ عَلَى الْمَلِكِ وَ غَلَبْنَ عَلَى كُلِّ أَمْرٍ لَا يَأْتِي إِلَّا مَالَهُنَّ فِيهِ هَوَى وَ رَأَيْتَ ابْنَ الرَّجُلِ يَفْتَرِي عَلَى أَبِيهِ وَ يَدْعُو عَلَى وَالِدَيْهِ وَ يَفْرَحُ بِمَوْتِهِمَا وَ رَأَيْتَ الرَّجُلَ إِذَا مَرَّ بِهِ يَوْمٌ وَ لَمْ يَكْسِبْ فِيهِ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ مِنْ فُجُورٍ أَوْ بَخْسٍ مِكْيَالٍ أَوْ مِيزَانٍ أَوْ غَشْيَانٍ حَرَامٍ أَوْ شَرِبِ مُسْكَرٍ كَثِيرًا حَزِينًا يَحْسَبُ أَنَّ ذَلِكَ الْيَوْمَ عَلَيْهِ وَضِيعَةٌ مِنْ عُمْرِهِ وَ رَأَيْتَ السُّلْطَانَ يَحْتَكِرُ الطَّعَامَ وَ رَأَيْتَ مِنْ أَمْوَالِ ذَوِي الْقُرْبَى تُقْسَمُ فِي الزُّورِ وَ يَتَقَامَرُ بِهَا وَ تُشْرَبُ بِهَا الْخَمُورُ وَ رَأَيْتَ الْخَمْرَ يُتَدَاوَى بِهَا وَ تُوصَفُ لِلْمَرِيضِ وَ يَسْتَشْفَى بِهَا وَ رَأَيْتَ النَّاسَ قَدْ اسْتَوُوا فِي تَرْكِ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تَرْكِ التَّدِينِ بِهِ وَ رَأَيْتَ رِيَّاحَ الْمُنَافِقِينَ وَ أَهْلَ النِّفَاقِ قَائِمَةً وَ رِيَّاحَ أَهْلِ الْحَقِّ لَا تُحْرَكُ وَ رَأَيْتَ الْأَذَانَ بِالْأَجْرِ وَ الصَّلَاةَ وَ رَأَيْتَ الْمَسَاجِدَ مُحْتَشِدَةً مِمَّنْ لَا يَخَافُ اللَّهَ مُجْتَمِعُونَ فِيهَا لِلْغَيْبَةِ وَ أَكَلَ لُحُومَ أَهْلِ الْحَقِّ وَ يَتَوَاصَفُونَ فِيهَا شَرَابَ الْمُسْكَرِ وَ رَأَيْتَ السُّكْرَانَ يُصَلِّي بِالنَّاسِ وَ هُوَ لَا يَعْقِلُ وَ لَا يُشَانُ بِالسُّكْرِ وَ إِذَا سَكَرَ أَكْرَمَ وَ اتَّقَى وَ خِيفَ وَ تَرَكَ لَا يُعَاقَبُ وَ يُعْذَرُ بِسُكْرِهِ وَ رَأَيْتَ مَنْ أَكَلَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى يُحْمَدُ بِصَلَاحِهِ وَ رَأَيْتَ الْقُضَاةَ

يَقْضُونَ بِخِلَافِ مَا أَمَرَ اللَّهُ وَ رَأَيْتَ الْوَلَاةَ يَأْتِمُنُونَ الْخُونَةَ لِطَمَعٍ وَ رَأَيْتَ الْمِيرَاثَ قَدْ وَضَعْتَهُ الْوَلَاةُ لِأَهْلِ الْفُسُوقِ وَ الْجُرَاةِ عَلَى اللَّهِ يَأْخُذُونَ مِنْهُمْ وَ يَخْلُونَهُمْ وَ مَا يَشْتَهُونَ وَ رَأَيْتَ الْمَنَابِرَ يُؤَمَّرُ عَلَيْهَا بِالتَّقْوَى وَ لَا يَعْمَلُ الْقَائِلُ بِمَا يَأْمُرُ وَ رَأَيْتَ الصَّلَاةَ قَدْ اسْتَخَفَّ بِأَوْقَاتِهَا وَ رَأَيْتَ الصَّدَقَةَ بِالشَّفَاعَةِ لَا يُرَادُ بِهَا وَجْهَ اللَّهِ وَ يُعْطَى لِطَلَبِ النَّاسِ وَ رَأَيْتَ النَّاسَ هَمَّتْهُمْ بَطُونُهُمْ وَ فُرُوجُهُمْ وَ لَا يَبَالُونَ بِمَا أَكَلُوا وَ مَا نَكَحُوا وَ رَأَيْتَ الدُّنْيَا مُقْبِلَةً عَلَيْهِمْ وَ رَأَيْتَ أَعْلَامَ الْحَقِّ قَدْ دَرَسَتْ فَكُنْ عَلَى حَذَرٍ وَ اطْلُبْ مِنَ اللَّهِ عِزًّا وَ جَلَّ النَّجَاةَ وَ اعْلَمْ أَنَّ النَّاسَ فِي سَخَطِ اللَّهِ عِزٌّ وَ جَلٌّ وَ إِنَّمَا يُمَهِّلُهُمْ لِأَمْرِ يُرَادُ بِهِمْ فَكُنْ مُتَرَقِّبًا وَاجْتَهِدْ لِيَرَاكَ اللَّهُ عِزًّا وَ جَلًّا فِي خِلَافِ مَا هُمْ عَلَيْهِ فَإِنَّ نَزَلَ بِهِمُ الْعَذَابُ وَ كُنْتَ فِيهِمْ عَجَلْتَ إِلَى رَحْمَةِ اللَّهِ وَ إِنْ أُخِّرْتَ ابْتَلُوا وَ كُنْتَ قَدْ خَرَجْتَ مِمَّا هُمْ فِيهِ مِنْ الْجُرَاةِ عَلَى اللَّهِ عِزًّا وَ جَلًّا وَ اعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ وَ إِنْ رَحِمَهُ اللَّهُ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ. (الزام الناصب ج ۲ ص ۱۴۲ تا ۱۴۶)

ترجمه

حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند:

.. و می بینی دین زیر و رو گردد همانطوری که آب زیر و رو می گردد و می بینی اهل باطل را که علو و بلندی جسته اند بر اهل حق و می بینی شر را ظاهر، نهی نمی شود از آن و معذور دانسته می شود اصحاب شر (که می گویند اینها عذرشان موجه است) و می بینی فسق را آشکار شده و اکتفاء می کنند مردان به مردان و زنان به زنان و می بینی مؤمن را خاموش، قبول نمی شود گفتارش، و می بینی فاسق دروغ می گوید و رد نمی شود دروغ و افتراءش و می بینی صغیر کوچک می شمارد و حقیر می کند بزرگ را و می بینی: صلهٔ رحمها قطع می شود

و می‌بینی: کسی مدح می‌کند به فسق خندان از آن و ردّ نمی‌شود گفتارش و می‌بینی: پسر بیچه همان کند که زنان کنند و می‌بینی زنان تزویج می‌کنند با زنان و می‌بینی ثناء و مدح (مردم از یکدیگر) بسیار گشته و می‌بینی مرد انفاق می‌کند مالش را در غیر طاعت خدا پس نهی نمی‌شود از آن و گرفته نمی‌شود دستش (یعنی جلوی کارش گرفته نمی‌شود) و می‌بینی که چون شخصی کوشش مؤمن را (در راه خدا) ببند از کوشش او بخدا پناه برد. و می‌بینی همسایه اذیت می‌کند همسایه‌اش را و نیست برایش مانعی و می‌بینی کافر را شاد برای آنچه می‌بیند در مؤمن؛ شادان برای آنچه می‌بیند در زمین از فساد و می‌بینی خمر و شراب نوشیده می‌شود آشکارا و اجتماع می‌کنند بر آن کسانی که نمی‌ترسند از خدای عزوجل و می‌بینی امر کننده به معروف را دلیل و خوار می‌بینی فاسق را در آنچه که دوست نمی‌دارد خدای متعال، قوی و ستایش شده. و می‌بینی صاحبین آثار (یعنی علمائی که دارای کتاب و آثار ارزشمند هستند) کوچک شمرده می‌شوند و حقیر می‌شوند کسانی که دوست دارند آنها را و می‌بینی راه خیر را منقطع و راه شرک را مسلوک و باز شده و می‌بینی خانه خدا تعطیل شده و دستور داده می‌شود به ترکش و می‌بینی مرد می‌گوید آنچه را که انجام نمی‌دهد و می‌بینی مردان فربه می‌کنند خودشان را برای مردان و زنان برای زنان و می‌بینی مرد را معیشتش از پَسَش و معیشت زن از فرجش (مراد بعض مردان و زنان است) و می‌بینی زنان می‌گیرند مجالس را همانطوری که می‌گیرند آنرا مردان و... و می‌بینی رغبت می‌شود در مرد و مردان بر سر این کار غیرت ورزی می‌کنند و باشد صاحب مال عزیزتر از مؤمن و باشد ربا ظاهر و آشکارا در حالی که بد شمرده نشود، و باشد زنا مدح می‌کنند آنرا زنها (در این موارد مراد بعض یا اغلب زنان است که الف و لامِ (ال) النساء بمعنی بعض یا اغلب است) و می‌بینی زنها همکاری می‌کند شوهرش را

بر نکاح مردان و می بینی اکثر مردمان را و بهترین خانه، خانه کسانی است که کمک می کنند زنان را بر فسقشان. و می بینی مؤمن را غمناک، حقیر شده، ذلیل؛ و می بینی بدعت و زنا آشکار گردد و می بینی مردم اعتماد می کنند به شهادت ناحق و می بینی حرام حلال می شود و می بینی حلال حرام می شود و می بینی دین را به رأی و تعطیل شود کتاب خدا و احکامش و می بینی شب را مخفی نمی شود گناهان در آن، از جرأت مردم برخدای متعال (یعنی اهل معاصی بسبب جرأتشان بر خداوند عز و جل منتظر شب نمی شوند بلکه گناهان را در روز آشکارا انجام می دهند) و می بینی مؤمن را قادر نمی باشد اینکه انکار کند منکرات را مگر به قلبش و می بینی مال عظیم انفاق می شود در غضب خدای عز و جل و می بینی والیان را نزدیک می شوند به اهل کفر و دور می شوند از اهل خیر و می بینی والیان رشوه می گیرند در حکم و می بینی ولایت را قباله برای کسی که زیاد دارد و می بینی صاحبان ارحام (خویشاوندان محرم) نکاح می شوند و اکتفا می شود به آنها و می بینی مرد کشته می شود بر حسب تهمت و بر حسب ظن و گمان و درباره استفاده از مرد نر غیرت ورزی می شود و جان و مال سر این کار دهند و می بینی: مرد سرزنش می شود برای آمیزش با زنان (به وجه حلال) و می بینی مرد را که می خورد از کسب زنش از فجور در حالی که می داند آنرا و بآن تن می دهد و می بینی زن را که مغلوب می کند شوهرش را و انجام می دهد کاری را که مرد به آن میل و رغبت ندارد و انفاق می کند بر شوهرش و می بینی مرد را که کرایه می دهد زن و کنیزش را (دخترش را) و راضی می شود به چیز پستی از غذا و نوشیدنی و می بینی که سوگندهای بناحق بنام خدا بسیار گردد، و می بینی قمار آشکار شود و می بینی شراب را فروخته می شود آشکارا در حالتی که نیست برایش مانعی و می بینی زنان بذل می کنند خودشان را برای اهل کفر و می بینی موسیقی علنی شود در

حالی که عبور و مرور می‌شود به آن در حالتی که منع نمی‌کند کسی کسی را از آن و جرأت ندارد کسی بر منع آن و می‌بینی مرد شریف را خوار کند کسی که از قدرتش ترسیده می‌شود و می‌بینی نزدیکترین مردم به والیان کسی است که مدح می‌کند دشنام دادن ما اهل بیت را و می‌بینی کسی که دوست دارد ما را دروغ‌گوییش دانند و قبول نمی‌شود شهادتش و می‌بینی در گفتار دروغ و ناحق رغبت می‌شود و می‌بینی قرآن را، سنگین شده بر مردم گوش دادن به آن و سبک شده بر مردم، استماع کلام باطل و می‌بینی همسایه گرامی می‌دارد همسایه را از ترس زبانش و می‌بینی حدود الهی تعطیل شده و عمل کرده شود در آن طبق دلخواه و می‌بینی: مساجد زینت داده شوند و می‌بینی راستگوترین مردم نزد مردم آن کسی است که افتراء زننده دروغگو باشد. و می‌بینی شر و سخن چینی ظاهر شود و می‌بینی تجاوز و جنایت و معصیت و ستم شیوع یافته و می‌بینی: غیبت سخن خوش مزه و نمکین شمرده شود و بعضی مردم بعضی را به آن مژده دهند و می‌بینی حج کردن و جهاد کردن را، برای غیر خدا و می‌بینی سلطان و پادشاه دلیل می‌کند برای کافر مؤمن را و می‌بینی خرابی غالب شده بر آبادانی و می‌بینی مرد را معیشتش از کم فروشی است و می‌بینی: ریختن خونها آسان و سبک شمرده می‌شود و می‌بینی: مرد طلب می‌کند ریاست را به غرض دنیا و مشهور می‌کند خودش را به بد زبانی تا اینکه از او ترسیده شود و نسبت می‌دهد به خودش کارها را و می‌بینی: نماز سبک شمرده می‌شود و می‌بینی: مرد نزدش مال بسیار است و تزکیه و پاک نکرده است آنرا از زمان ثروتمند شدنش و می‌بینی میت را که خارج می‌شود از قبرش و اذیت کرده می‌شود و فروخته می‌شود گفته‌هایش و می‌بینی: آشوب زیاد شده و می‌بینی مرد شب می‌کند نشئه و صبح می‌کند مست و اهمیت نمی‌دهد به وضعی که مردم در آنند و می‌بینی: حیوانات را نکاح کنند و می‌بینی حیوانات

همدیگر را بدرند (مراد یک نوع واحد است یا مراد حیواناتی هستند که بطور مسالمت با هم زندگی می‌کنند) و می‌بینی: مرد خارج می‌شود به نماز خانه‌اش و بر می‌گردد و حال آنکه نیست بر او یک چیز از لباسهایش و می‌بینی قلوب مردمان سخت شده و خشک شده چشمانشان و سنگین شده ذکر و یاد خداوند بر آنها و می‌بینی کسبهای حرام ظاهر و آشکار شود و رغبت می‌شود در آن و می‌بینی نمازگذار فقط نماز می‌گذارد برای دیدن مردم او را. و می‌بینی فقیه تفقه می‌کند برای غیر دین که طلب می‌کند دنیا و ریاست را (در مثل این موارد توضیح داده شد که الّ بمعنی بعض یا اغلب است یعنی بعض یا اغلب فقهاء (فافهم)) و می‌بینی مردم با کسی هستند که غالب و پیروز شود و می‌بینی طالب حلال مذمت می‌شود و کوچک و خوار می‌شود و طالب حرام مدح و ستوده می‌شود و بزرگ شمرده می‌شود (بجهدة اینکه طالب حلال به راستگویی از راه درست و حلال نزد او مال زیادی انباشته نمی‌شود ولی طالب حرام بدروغ به هر آلت و وسیله نزد خودش مال زیادی انباشته می‌کند و این باعث می‌شود که او را مدح کنند) و می‌بینی حرمین شریفین را (مکه و مدینه) که عمل می‌شود در آنها بچیزی که دوست ندارد خداوند عزّ و جلّ که منع نمی‌کند کسی خطا کاران را و حائل نمی‌شود کسی بین آنها و بین عمل زشت. و می‌بینی مردم را نگاه می‌کنند بعضی از آنها به بعضی (چشم و هم چشمی می‌کنند) و اقتداء می‌کنند به اهل شر (یعنی در مُد و لباس و افعال و اعمال) و می‌بینی آلات لهو و لعب و طرب را ظاهر شونده در حرمین و می‌بینی مرد را که سخن می‌گوید به چیزی از حق و راستی و امر می‌کند به معروف و نهی می‌کند از منکر پس می‌ایستد و بپا می‌خیزد کسی که نصیحت می‌کند او را پس می‌گوید این (گفتن حق و امر به معروف و نهی از منکر) از تو سلب شده و می‌بینی راه خیر و طریق آن خالی است در حالتی که نمی‌پیماید کسی آنرا

و می‌بینی مرده مرور می‌شود به او پس غمناک نمی‌شود برای او کسی و می‌بینی هر سالی حادث می‌شود در آن از شر و بدعت بیشتر از آنچه که بود و می‌بینی مردم و مجلس‌ها پیروی نمی‌کنند مگر از ثروتمندان و می‌بینی نیازمند عطاء کرده می‌شود برای خندیدن به او و ترخم می‌شود برای غیر خدا و می‌بینی آیات و نشانه‌ها را در آسمان که نمی‌ترسد کسی برای آن و می‌بینی: مردم بر هم بجهند همانطوری که بر هم می‌جهند حیوانات؛ انکار نمی‌کند کسی کارهای زشت را بجهت ترس از مردم و می‌بینی مرد انفاق می‌کند مال زیاد را در غیر طاعت خدا منع می‌کند مال کم را در طاعت خدا و می‌بینی ناسپاسی پدر و مادر آشکار گشته و سبک شمرده می‌شوند والدین و باشند از بدترین مردم از حیث حال نزد فرزند و خوشحال می‌شود فرزند باینکه افتراء بندد بر آنها و می‌بینی زنان را که غالب شده‌اند بر پادشاه و غالب شده‌اند بر هر مردی که نمی‌آورد آن مرد مگر آنچه برای آنها در آن هوای نفس و خواهشی است^(۱) و می‌بینی پسر افتراء می‌زند بر پدرش و نفرین می‌کند بر پدر و مادرش و خوشحال می‌باشد بمرگ آنها. و می‌بینی مرد زمانیکه بگذرد به او روزی و کسب نکرده باشد در آن گناه بزرگی از فجور یا کم فروشی یا انجام کار حرام یا نوشیدن مسکر (شراب)، گرفته و غمناک است گمان می‌کند همانا آن روز بر او خسران و زیانی است از عمرش و می‌بینی پادشاه احتکار می‌کند طعام را و می‌بینی از مالهای خویشاوندان پیامبر (خمس) بناحق تقسیم می‌شود و قمار بازی می‌شود به آن و نوشیده می‌شود به آن شرابها و می‌بینی خمر و شراب را که مداوا می‌شود به آن و سفارش می‌شود برای مریض و شفا می‌طلبند به آن. و می‌بینی: مردم یکسان شوند در ترک امر به معروف و نهی از

۱- در نسخه‌ای دیگر عبارت کمی فرق می‌کند که معنی این می‌شود: و می‌بینی که زنها بر حکومت غالب گشته و هر کاری را قبضه کنند و کاری پیش نرود جز آنچه طبق دلخواه آنان باشد

منکر و ترک تدین به آن و می‌بینی منافقان و اهل نفاق سر و صدائی دارند و اهل حق بی صدا و خاموشند و می‌بینی برای اذان گفتن و نماز پول می‌گیرند و می‌بینی مسجدها پر است از کسانی که نمی‌ترسند از خدای عز و جل، اجتماع کنندگان در مساجد برای غیبت کردن و خوردن گوشتهای اهل حق (بوسیله غیبت) و توصیف می‌کنند در مساجد شراب مسکر را، و می‌بینی شخص مست نماز می‌گذارد با مردم و حال آنکه او عقل ندارد و ایراد گرفته نمی‌شود بخاطر مست بودنش و زمانیکه مست شود گرامی شود و ملاحظه شود و بدون بازخواست او را رها کنند و او را به مستیش معذور دارند و می‌بینی کسی که بخورد اموال یتیمان را، شایستگی او را بستایند و می‌بینی قضاوت قضاوت می‌کنند به خلاف آنچه امر کرده خداوند حکیم و می‌بینی: والیان و زمامداران امین می‌شمارند خیانتکار را از روی طمع و می‌بینی میراث (یتیمان) را فرمانروایان بدست مردمان بدکار و بی باک نسبت به خدا قرار داده‌اند تا اینکه از آنها حق و حسابی بگیرند و جلوی آنها را رها کنند تا هر چه می‌خواهند در آنها انجام دهند و می‌بینی منبرها را که سفارش می‌شود بر آنها به تقوی و عمل نمی‌کند گوینده به آنچه که سفارش کرده (در مثل این عبارات توضیح داده شد پس بدان)

و می‌بینی نماز را که سبک شمرده می‌شود وقت هایش، و می‌بینی صدقه را بواسطه شفاعت دیگران که اراده کرده نمی‌شود به آن رضای خداوند و عطاء کرده می‌شود برای خواهش مردم و می‌بینی مردم را که همتشان شکمهایشان و فروجشان می‌باشد و ابائی ندارند به آنچه می‌خورند^(۱) و آنچه نکاح می‌کنند و می‌بینی دنیا روی آورده بر آنها و می‌بینی اعلام و نشانه‌های حق از بین

۱- که این مال و طعام آیا حلال است یا نه و از کجا بدست آمده و بدون اینکه اهمیت به حلیت طعام بدهند می‌خورند و بدان که رزق در سلامت روح و جسم انسان تأثیر بسزائی دارد.

می‌روند پس باش بر حذر کردن و ترسیدن و طلب کن از خداوند عزّ و جلّ نجات را و بدان همانا مردم در غضب خداوند عزّ و جلّ واقع شده‌اند و همانا مهلت می‌دهد مردم را برای امری که اراده شده است به آنها پس باش منتظر و کوشش کن تا اینکه ببیند تو را خدای عزّ و جلّ در خلاف آنچه مردم برآند پس اگر نازل شد به آنها عذاب و بودی در آنها تعجیل نموده‌ای به رحمت خداوند اگر عقب انداخته شدی، مبتلا شدند مردم به عذاب و حال آنکه تو خارج شدی از آنچه که مردم در آن بودند از جرأت بر خداوند عزّ و جلّ و بدان همانا خداوند ضایع نمی‌کند اجر نیکوکاران را و همانا رحمت خداوند نزدیک است به نیکوکاران.

«توضیح و ذکر»

اکثر موارد ذکر شده در حدیث اتفاق افتاده و وجود دارد و لازم است چند چیز برای روشن شدن توضیح داده شود.

مورد اول: ربا: در لغت بمعنی زیادتی، سود، بهره آمده و در اصطلاح مبادله دو چیز مثل هم با دریافت اضافی را گویند. مثل طلا به طلا بیشتر، پول به پول بیشتر، گندم به گندم بیشتر، پول به پول و یک کیلو گندم، پول به پول و کاری انجام دادن و همچنین است مابقی اشیاء و اجناس و فرقی نیست بین اینکه ردّ و بدل در آن واحد انجام شود یا در زمان طولانی.

مضاربه: قرارداد تجاری میان دو طرف است که بر مبنای آن یکی عهده دار سرمایه و دیگری عهده دار کار و کسب حلال می‌شود و سود آن طبق توافق طرفین بین آن دو به نسبتی عادلانه تقسیم می‌شود.

شرکت: آنستکه دو نفر یا چند نفر در کاری یا کسبی یا تجارتی طوری مالشان را مخلوط کنند که مالهای هر کدام معین نباشد و سود آن کار یا کسب

به نسبتی توافقی عادلانه بین خودشان تقسیم کنند.

با این تعریفها فرق بین ربا با مضاربه و شرکت مشخص می شود. پس اگر سود و اضافی بر پول تعیین شود چه کم چه زیاد ربا محسوب می شود ولی اگر بر پول تعیین نشود باین معنی که پولی به کسی داده شود که با آن کسب و تجارت حلال انجام دهد و اگر آن تجارت و کسب سود کرد از آن سود سهمی داشته باشد مضاربه حساب می شود و حلال است و اگر سود نکرد حق اضافی و سود گرفتن را ندارد. اگر فرض شود سود کسبی قطعی باشد که مثلاً بگوید اگر / ۱۰۰۰۰۰ تومان بدهی وقتی بکسب بزنم / ۲۰۰۰۰ هزار تومان سود می کند؛ هیچ وقت کسی نمی تواند از روی صداقت چنین ادعائی کند چون دنیا با تغییر و تحولاتی همراه است و پستی و بلندیهای دارد و چه بسا تجارت سودی بیشتر از این مقدار می کند و چه بسا کمتر و چه بسا ضرر می کند پس این فرض مردود است و مدعی آن کاذب است و کسی از آینده خود خبر ندارد.

برای روشن شدن ربا: اگر حق و سهم را بر اصل پول که ۱۰۰۰۰۰ تومان است قرار دهد و بگوید ۱۰٪ یا / ۱۰۰۰۰ تومان، کمتر یا بیشتر به شما سود می دهم و یا سود می گیرم که سود را بر اصل پول قرار داده ربا می شود ولو اینکه این پول را به کسب و تجارت بزند.

اکثر معاملات و وامهای بانکها خالی از اشکال نبوده بلکه بدون شک ربا محسوب می شود و به صرف گذاشتن اسم مضاربه و شرکت و جُعاله بر معاملات حلیت حاصل نمی شود بلکه بایستی اسم مطابق مسمی و معنی باشد و فرقی نیست که وام برای تجارت باشد یا خرید مسکن و یا غیر این دو. و حتی سپردههای کوتاه مدت و بلند مدت نیز با تعریف مضاربه منطبق نبوده بلکه با تعریف اول منطبق است. و همچنین بعضی از مردم اجناس خود را به

صورت اقساط می‌فروشند می‌گویند: این جنس نقداً صد هزار تومان و اقساط آن / ۱۳۰۰۰۰۰ تومان که ۳٪ بر صد هزار تومان در هر ماه می‌کشند که ۱۰ ماهه مثلاً پرداخت کند این نیز حرام است و ربا محسوب می‌شود که در حقیقت بر پول سود کشیده‌اند و همچنین است در نقد و نسیه که می‌گوید این جنس نقداً / ۱۰۰۰۰۰۰ تومان مثلاً و نسیه / ۱۲۰۰۰۰۰ تومان یا کمتر این اضافی گرفتن به چه عنوان آیا به عنوان سود گرفتن نیست که پیش خود فکر می‌کند که پول من خوابیده و تا فلان زمان این مقدار سود رویش می‌آید این دنیا آزمایش است و انسان باین دنیا برای خود سازی آمده و نیامده که سود و سود بگیرد و مال اندوزی کند و اگر در بیع و شراء سود گرفتن اجازه داده شده بخاطر رفع حوائج مردم است و سود بر سود جائز نیست. و همچنین است انواع مشارکتها و سهامها که می‌گویند ۲۰٪ یا کمتر یا بیشتر بر پولتان سود می‌دهیم پس اعتماد کن بر این قول صحیح اگر خواهی شوی سعادت مند که یقیناً شکی در آن نیست که مطابق عقل و شرع است. انسان بایستی از معامله با چنین مؤسسات و اشخاص ولو بطور حلال نیز خودداری کند که این مصداق نهی از منکر عملی است که وقتی ببینند مردم از گذاشتن پول ولو بطور قرض الحسنه و از خریدن جنس از افراد رباخوار خودداری می‌کنند خود را سریعاً اصلاح می‌کنند و این بنفع دو طرف بوده و خیر دنیا و آخرت و رضای الهی در آن است و اصلاح قوانین بانکها بطوری که حلال و شرعی شود آنقدر سخت نیست بلکه بسیار سهل است و کسانی که در امر ربا مشغولند از کارمند و رؤساء و غیره نزد خداوند متعال مسئولند.

از امام رضا علیه السلام نقل شده که علة تحریم ربا: بخاطر از بین رفتن معروف (کارهای نیک) و تلف شدن مالها و رغبت کردن مردم در سود است و نیز بخاطر ترک کردن مردم قرض دادن و واجب و صنایع معروف است و برای

آنچه در ربا است از فساد و ظلم و فناء اموال.

گرانی اجناس بیشتر بخاطر ربا است و همین ربا باعث ضعف اقتصاد و باعث بیکاری و تورم روز افزون می‌گردد و اگر تولید کنندگان و فروشندگان و کارخانه داران و همه تن به ربا ندهند و اگر جنسی که می‌خرند چه نسبه و چه نقد به یک قیمت بخرند اجناس به قیمت پائین تری عرضه می‌گردد و باعث رشد اقتصادی می‌گردد و منافع بی شماری را در بر دارد پس کسانی که خواسته یا ناخواسته به ربا مبتلا شده‌اند توبه کنند توبه‌ای خالصانه و دیگر این عمل را تکرار نکنند.

و در مورد ربا خداوند متعال در سوره بقره آیه ۲۷۵ تا آیه ۲۷۹ می‌فرماید: آنها که می‌خورند ربا را نمی‌ایستند مگر همانطوری که می‌ایستد آنکه مصروع می‌کند شیطان او را از دیوانگی؛ آن باین است که آنها گفتند: این است و جز این نیست بیع مثل ربا است؛ و حلال کرد خداوند بیع را و حرام کرد ربا را پس آنکه آمد او را پندی از پروردگارشان پس باز ایستد پس برای اوست آنچه گذشت و کارش با خداست و کسیکه برگردد پس ایشان اهل آتشند، ایشان در آن جاویدانند -۲۷۵- بی برکت می‌کند خدا ربا را و افزونی می‌دهد صدقه‌ها را و خدا دوست نمی‌دارد هر ناسپاس گناهکار را -۲۷۶- بدرستیکه آنان که ایمان آورند و کردند کارهای شایسته و بر پاداشتند نماز را و دادند زکات را، برای ایشان است مزدشان نزد پروردگارشان و نیست ترسی بر ایشان و نه ایشان اندوهناک شوند -۲۷۷- ای کسانی که ایمان آوردید بترسید از خدا و واگذارید آنچه را ماند از ربا اگر هستید ایمان آورندگان -۲۷۸- پس اگر نکردید پس اعلام دهید به جنگی از خدا و رسولش و اگر توبه کردید پس برای شماست سرمایه‌های مالیه‌تان، ستم نمی‌کنید و ستم کرده نمی‌شوید -۲۷۹- و نیز خداوند عزّ و جلّ فرموده در سوره آل عمران آیه ۱۲۶: ای کسانی که ایمان

آوردید نخورید ربا را زیادتیهای بر هم افزوده و بترسید از خدا باشد که شما رستگار شوید.

در روایت آمده: گناه یک درهم ربا بزرگتر از آن است که انسان هفتاد مرتبه با محرم خود زنا کند.

مورد دیگر زنا: که از بدترین اعمال زشت است.

امر ازدواج موقت یا غیر دائم فقط مختص به دین مقدس اسلام ناب محمدی دوازده امامی بوده که خداوند متعال بر بندگان سهل گرفته و این امر را حلال نموده که مبادا در حرام واقع شوند که خَسِرَ الدنیا و الاخرة گردند پس بدبخت کسی است که زنا کند و هر کس عقد غیر دائم را حلال نداند و به نحوی انزجار خود را از آن نشان دهد ولو این که کسانی را که به این امر حلال مبادرت می کنند سرزنش نماید و کلمه ای گوید که باعث شرمندگی آنان گردد شیعه نیست و از طریقه و راه معصومین علیهم السلام روی گردانی کرده که همانا مخالفت با امر خدای متعال نموده.

پس با وجود این امر پس چرا بعضی از جوانان بامر خلاف شرع مبادرت می کنند؟ آیا خداوند متعال راهی نگذاشته است؟ البته راهی گذاشته، اراده کرده خدای متعال به شما آسانی را و این شما هستید که به خودتان ظلم می کنید و دچار عذاب و عقوبت می گردانید.

ازدواج موقت جلوی فساد را می گیرد و هر چیزی که جلوی فساد را می گیرد واجب است تبلیغ و ترویج آن پس ازدواج موقت واجب است تبلیغ و ترویج آن پس بر همگان و بر رسانه ها واجب است این امر مهم را ترویج و تبلیغ نمایند و کم و کیف آن را بگویند بطوری که فراگیر شود. همه ما نزد خداوند متعال

مسئولیم. اگر خلاف شرع کاری انجام دهیم یا ندانیم که فلان کار آیا خلاف شرع است یا نیست کاری انجام دهیم باز مسئولیم باید هر کاری را که انسان انجام می‌دهد یا می‌خواهد انجام دهد یا بگوید اول بدانند آیا این کار اذن شرعی صحیح در آن است یا نه بعد آن کار را انجام دهد.

اما امر به معروف و نهی از منکر: مطلب در این مورد بسیار است و این مختصر را گنجایش آن نیست ولی مختصری در این زمینه گفته می‌شود. امر به معروف و نهی از منکر چند قسم است اول: امر به معروف و نهی از منکر عملی: که انسان به کار و عمل خود طرف مقابل را می‌فهماند که کارش اشتباه و عملش قبیح است و این نوع امر به معروف و نهی از منکر مؤثرترین نوع است که در درجه اول قرار دارد که شمه‌ای از آن در معاملات بانکی و شخصی ذکر شد و از امام معصوم علیه السلام نقل شده تقریباً باین مضمون که فرمود: اگر شیعیان ما وظائف و اعمال شرعی خود را بوجه احسن انجام می‌دادند مردم جهان گروه گروه به دین تشیع روی می‌آوردند و احتیاج به تبلیغ نداشت. و این همان طریق عملی است. همچنین است، فرزندی خطائی می‌کند در بعضی موارد گفته شده با او قهر کن ولی قهرت را طولانی نکن در ضمن باید قهر توری باشد که فرزند متوجه خطاء خود بشود. که این نوع امر به معروف و نهی از منکر نیاز به علم و فکر صحیح و تجربه دارد.

و بعد از این مرتبه امر و نهی زبانی است که این نوع نیز احتیاج به فکر و علم دارد که به چه زبانی بگوید و به چه کلماتی بگوید که مؤثرتر واقع شود و امر به معروف و نهی از منکر بر همه واجب است و بر همه واجب است کم و کیف آنرا تحصیل نمایند که مبادا این امر مهم به زمین بماند و آنچه‌ان پیچیده نیست که بعضی‌ها آنرا تلقی می‌کنند.

وقایع و احوالات مردم قبل از ظهور

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا يَقُومُ الْقَائِمُ إِلَّا عَلَى خَوْفٍ شَدِيدٍ مِنَ النَّاسِ وَزَلْزَلٍ وَفِتْنَةٍ وَبَلَاءٍ يُصِيبُ النَّاسَ وَطَاعُونَ قَبْلَ ذَلِكَ وَسَيْفٌ قَاطِعٌ بَيْنَ الْمَغْرِبِ (وَالْمَشْرِقِ) ^(۱) وَ اخْتِلَافٌ شَدِيدٌ بَيْنَ النَّاسِ وَ تَشْتِيتٌ فِي دِينِهِمْ وَ تَغْيِيرٌ فِي حَالِهِمْ حَتَّى يَتَمَنَّى الْمُتَمَنَّى صَبَاحاً وَ مَسَاءً مِنْ عَظَمٍ مَا يَرَى مِنْ كَلْبِ النَّاسِ وَ أَكَلَ بَعْضُهُمْ بَعْضاً، قِيَامُهُ فَخُرُوجُهُ إِذَا خَرَجَ يَكُونُ عِنْدَ الْيَأْسِ وَ الْقَنُوطِ مِنْ أَنْ يَرُوا فَرَجاً فَيَا طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَهُ وَ كَانَ مِنْ أَنْصَارِهِ وَ الْوَيْلُ كُلُّ الْوَيْلِ لِمَنْ نَاوَاهُ وَ خَالَفَهُ وَ خَالَفَ أَمْرَهُ وَ كَانَ مِنْ أَعْدَائِهِ. (الزام الناصب ج ۲ ص ۱۶۲)

حضرت صادق علیه السلام فرمود: قیام نمی کند حضرت قائم (عج) مگر اینکه واقع شود بر مردم ترس شدید؛ و زلزله‌ها و فتنه و بلاء به مردم می‌رسد، و طاعون قبل از اینها و شمشیر بُرنده (یعنی جنگ بسیار شدید و کشنده) بین مغرب (و مشرق) و اختلاف شدید بین مردم و تشتیت و پراکنده شدن در دینشان و تغییر در حالشان تا اینکه تمنی می‌کند هر خواهش کننده‌ای صبح و شب از بزرگی آنچه می‌بیند از سختی و گرفتاری مردم، (مرگ را) و می‌خوردند بعضی مردم بعضی را؛ قیام آنحضرت پس خروج او زمانیکه خارج شود، می‌باشد هنگام یأس و نوامیدی از اینکه ببینند فرجی را پس ای خوشحای بحال کسی که درک کند او را و باشد از یارانش و ویل همه ویل (بدها بحال) برای کسی که دشمن بدارد او را و مخالفت کند امرش را و باشد از دشمنانش.

فِي مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ مِنْ جُمْلَةٍ وَضَايَا رَسُولِ اللَّهِ (ص) لِابْنِ مَسْعُودٍ يَا ابْنَ مَسْعُودِ الْإِسْلَامُ بَدَأَ غَرِيباً وَ سَيَعُودُ غَرِيباً كَمَا بَدَأَ فَطُوبَى لِلْغُرَبَاءِ فَمَنْ أَدْرَكَ ذَلِكَ الزَّمَانَ مِمَّنْ يَظْهَرُ مِنْ أَعْقَابِكُمْ فَلَا يُسَلِّمُ عَلَيْهِمْ فِي

نَادِيهِمْ وَ لَا تَشِيحُ جَنَائِزِهِمْ وَ لَا يَعُودُ مَرْضَاهُمْ فَإِنَّهُمْ يَسْتَسْنُونَ
بِسُنَّتِكُمْ وَ يَظْهَرُونَ بِدَعْوَاكُمْ وَ يُخَالِفُونَ أَفْعَالَكُمْ فَيَمُوتُونَ عَلَى غَيْرِ
مِلَّتِكُمْ أُولَئِكَ لَيْسُوا مِنِّي وَ لَسْتُ مِنْهُمْ إِلَى أَنْ يَقُولَ يَا ابْنَ مَسْعُودٍ
يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ الصَّابِرُ فِيهِ عَلَى دِينِهِ مِثْلُ الْقَابِضِ بِكَفِّهِ
الْجَمْرَةَ فَإِنْ كَانَ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ ذُبَابًا وَ إِلَّا أَكَلَتْهُ الذَّنَابُ يَا ابْنَ مَسْعُودٍ
عُلَمَاؤُهُمْ وَ فُقَهَاؤُهُمْ خُونَةٌ فَجَرَةٌ إِلَّا إِنَّهُمْ أَشْرَارُ خَلَقَ اللَّهُ وَ كَذَلِكَ
اتَّبَاعُهُمْ وَ مَنْ يَأْتِيهِمْ وَ يَأْخُذُ مِنْهُمْ وَ يُحِبُّهُمْ وَ يُجَالِسُهُمْ وَ يُشَاوِرُهُمْ
أَشْرَارُ خَلَقَ اللَّهُ يُدْخِلُهُمْ نَارَ جَهَنَّمَ صُمٌّ بَكُمْ عُمَى فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ^(١)؛
وَ نَحْشُرُهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ عَلَى وُجُوهِهِمْ عُمِيًّا وَ بُكْمًا وَ صُمًّا مَاوِيَهُمْ
جَهَنَّمَ كُلَّمَا خَبَتْ زِدْنَاهُمْ سَعِيرًا^(٢)، كُلَّمَا نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ بَدَلْنَاهُمْ
جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ^(٣) إِذَا أُلْقُوا فِيهَا سَمِعُوا لَهَا شَهِيقًا وَ هِيَ
تَفُورُ تَكَادُ تَمَيِّزُ مِنَ الْغَيْظِ^(٤)، كُلَّمَا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا مِنْ غَمٍّ
أُعِيدُوا فِيهَا وَ قِيلَ لَهُمْ ذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ^(٥)، لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَ هُمْ
فِيهَا لَا يَسْمَعُونَ^(٦)، يَا ابْنَ مَسْعُودٍ يَدْعُونَ أَنَّهُمْ عَلَى دِينِي وَ سُنَّتِي وَ
مِنْهَا جِي وَ شَرَايِعِي إِنَّهُمْ مِنِّي بُرَاءٌ وَ أَنَا مِنْهُمْ بَرِيءٌ يَا ابْنَ مَسْعُودٍ لَا
تُجَالِسُوهُمْ فِي الْمَلَأِ وَ لَا تَبَايَعُوهُمْ فِي الْأَسْوَاقِ وَ لَا تَهْدُوهُمْ إِلَى
الطَّرِيقِ وَ لَا تَسْقُوهُمْ الْمَاءَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا
وَ زِينَتَهَا نُوفِّ إِلَيْهِمْ أَعْمَالَهُمْ فِيهَا وَ هُمْ فِيهَا لَا يُبْخَسُونَ^(٧)، يَقُولُ اللَّهُ
تَعَالَى: وَ مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ
نَصِيبٍ^(٨)، يَا ابْنَ مَسْعُودٍ وَ مَا أَكْثَرَ مَا تُلْقَى أُمَّتِي مِنْهُمْ الْعَدَاوَةَ وَ

٢- اسراء آية ٩٧.

٤- ملك ٧ و ٨.

٦- انبياء ١٠٠.

٨- شوری ٢٠.

١- بقره آیه ١٨.

٣- نساء ٥٦.

٥- حج ٢٢.

٧- هود ١٥.

الْبَغْضَاءِ وَالْجِدَالِ أُولَئِكَ أَذِلَّةٌ هَذِهِ الْأُمَّةُ فِي دُنْيَاهُمْ وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ لِيُخَسِّفَنَّ اللَّهُ بِهِمْ وَيَمْسُخُهُمْ قِرْدَةً وَخَنَازِيرَ، قَالَ فَبَكَى رَسُولُ اللَّهِ وَبَكَيْنَا لِبُكَائِهِ وَقُلْنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا يُبْكِيكَ فَقَالَ رَحْمَةً لِلْأَشْقِيَاءِ يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى وَلَوْ تَرَى إِذْ فَرَغُوا فَلَاقُوتَ وَأُخِذُوا مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ^(١)، يَعْنِي الْعُلَمَاءَ وَالْفُقَهَاءَ يَا ابْنَ مَسْعُودٍ مَنْ تَعَلَّمَ الْعِلْمَ يُرِيدُ بِهِ الدُّنْيَا وَآثَرَ عَلَيْهِ حُبَّ الدُّنْيَا وَزَيَّنَّهَا اسْتَوْجَبَ سَخَطَ اللَّهِ عَلَيْهِ وَكَانَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ مَعَ الْيَهُودِ وَالنَّصَارَى الَّذِينَ نَبَذُوا كِتَابَ اللَّهِ تَعَالَى قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ^(٢)، يَا ابْنَ مَسْعُودٍ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ لِلدُّنْيَا وَزَيَّنَّهَا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ، يَا ابْنَ مَسْعُودٍ مَنْ تَعَلَّمَ الْعِلْمَ وَلَمْ يَعْمَلْ بِمَا فِيهِ حَشَرَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى وَمَنْ تَعَلَّمَ الْعِلْمَ رِيَاءً وَسُمْعَةً يُرِيدُ بِهِ الدُّنْيَا نَزَعَ اللَّهُ بَرَكَتَهُ وَضَيَّقَ عَلَيْهِ مَعِيشَتَهُ وَوَكَّلَهُ اللَّهُ إِلَى نَفْسِهِ وَمَنْ وَكَّلَهُ اللَّهُ إِلَى نَفْسِهِ فَقَدْ هَلَكَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى فَمَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا^(٣)، يَا ابْنَ مَسْعُودٍ فَلْيَكُنْ جُلَسَاؤَكَ الْأَبْرَارَ وَأَخْوَانِكَ الْأَتْقِيَاءَ وَالزُّهَادَ لِأَنَّهُ تَعَالَى قَالَ فِي كِتَابِهِ: الْأَخِلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ^(٤)، يَا ابْنَ مَسْعُودٍ اعْلَمْ أَنَّهُمْ يَرُونَ الْمَعْرُوفَ مُنْكَرًا وَالْمُنْكَرَ مَعْرُوفًا فَفِي ذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَلَا يَكُونُ فِيهِمْ الشَّاهِدُ بِالْحَقِّ وَلَا الْقَوَامُونَ بِالْقِسْطِ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: كُونُوا قَوَامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ^(٥)، يَا ابْنَ مَسْعُودٍ يَتَفَاضِلُونَ بِأَحْسَابِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَقُولُ اللَّهُ

٢- بشره ١٩.

٤- زخرف ٦٧.

١- سبأ ٥١.

٣- كهف ١١٠.

٥- نساء ١٣٥.

تَعَالَى: وَ مَا لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزَى إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَى وَ لَسَوْفَ يَرْضَى^(۱)، الی هنا محل الحاجة. (الزام الناصب ج ۲ ص ۱۵۰-۱۵۲)

ترجمه

از جمله وصایای رسول الله ﷺ برای ابن مسعود: ای ابن مسعود: اسلام شروع شد غریب، و بزودی بر می‌گردد غریب، همانطوری که شروع شد، پس خوشحالی بحال غریب‌ها؛ پس کسی که درک کند آن زمان را (زمان قبل از ظهور) از کسانی که ظاهر می‌شوند از فرزندان شما، پس نباید سلام کند بر آنها (مردم آن زمان) در گردهم‌آییشان و (شرکت نکند) در تشیع جنازه‌هایشان و عیادت نکند مریض‌هایشان چونکه آنها پیروی می‌کنند از دینتان و افتخار می‌کنند به ادعایتان و مخالفت می‌کنند کارهایتان را پس می‌میرند بر غیر دینتان؛ آنها نیستند از من و نیستم من از آنها، تا اینکه می‌گوید پیامبر خدا ﷺ ای ابن مسعود می‌آید بر مردم زمانی که صبر کنند در آن زمان بر دینش مثل کسی است که گرفته به کف دستش آتش، پس اگر باشد در آن زمان گرگ (سالم می‌ماند) و اِلَّا می‌خورند او را گرگان؛ ای ابن مسعود علماء آنها و فقهاء آنها خیانتکار و فاجرند (مراد بعضی یا اکثر آنهاست همانطوری که در عبارات قبل ذکر شد و هر کس باید خود هر فقیه و عالمی را بشناسد، اگر دید که دارای تقوی و زهد و فضل و عدالت و عامل به دستورات دین است کلام او را اخذ کند و از او تبعیت نماید و اِلَّا نه) آگاه باش همانا آنها بدترین خلق خدا هستند و همچنین پیروانشان و کسی که بیاید آنها را و بگیرد از آنها و دوست بدارد آنها را و همنشینی بکند آنها را و مشورت بکند با آنها بدترین خلق خدایند، که داخل می‌کند خدا آنها را در آتش جهنم کر و لال و کور پس آنها بر نمی‌گردند؛

و محشور می‌کنیم آنها را در روز قیامت بر صورتهایشان در حالی که کور و لال و کردند؛ جایگاهشان جهنم است هرگاه فرو نشیند زبانه، زیاد می‌کنیم ایشانرا از جهت افروختن آتش؛ هرگاه پخته شود پوستهایشان بدل می‌کنیم ایشان را پوستهایی غیر آنها تا بچشند عذاب را؛ زمانیکه انداخته شود در آن بشنوند آنرا خروشی و آن می‌جوشد، نزدیک است پاره پاره شود از خشم؛ هرگاه اراده کنند که بیرون روند از آن از آزادگی، باز گردانیده شوند در آن و گفته شود برایشان بچشید عذاب آتش سوزان را؛ برایشان در آن ناله و زاری است و ایشان در آن نمی‌شنوند؛ ای ابن مسعود ادعا می‌کنند اینکه آنها بر دین من و سنت من و راه روشن من و شریعت منند؛ بدرستیکه آنها از من بیزارند و من از ایشان بیزار؛ ای ابن مسعود هم نشینی نکنید آنها را در جمع و خرید و فروش نکنید با آنها در بازارها و نشان ندهید به آنها راه را و ننوشانید آنها را آب؛ فرمود خدای بلند مرتبه: کسی که باشد اراده می‌کند زندگانی دنیا و زینت آنرا، تمام می‌دهیم بایشان اعمالشان را در آن و ایشان در آن کم داده نشوند؛ و می‌فرماید خدای بلند مرتبه: و کسیکه اراده می‌کند زراعت دنیا را می‌دهیمش از آن و نیست برای او در آخرت هیچ بهره‌ای ای ابن مسعود چه بسیار افکنده می‌شوند امت من از جانب خودشان عداوت و دشمنی و جدال را، اینها ذلیلترین این امتند در دنیایشان؛ و قسم به آن کسی که مبعوث نمود مرا بحق و راستی هر آینه البته فرومی‌برد خداوند زمین را به ایشان و مسخ می‌کند آنها را به میمونها و خوکها؛ گفت ابن مسعود: پس گریه نمود رسول خدا ﷺ و گریه کردیم بخاطر گریه او و گفتیم ای رسول چه چیز گریه درآورد تو را پس فرمود: بخاطر رحمت برای اشقیاء، می‌فرماید خدای بلند مرتبه: اگر ببینی هنگامی که ترسند پس نباشد فوتی و گرفته شوند از جایی نزدیک؛ قصد می‌کند خداوند متعال علماء و فقهاء را ای ابن مسعود کسی که یاد گیرد علم را در حالی که اراده بکند به آن دنیا را

و ترجیح دهد بر علم حبّ دنیا و زینتش را، سزاوار شود غضب خدا بر او، و باشد در درک اسفل از آتش (جهنم) با یهود و نصاری که انداختند کتاب خدای بلند مرتبه را؛ فرمود خدای بلند مرتبه: پس چون آمدشان آنچه شناخته بودند کافر شدند به آن پس لعنت خدا بر کافران؛ ای ابن مسعود کسی که یاد بگیرد قرآن را برای دنیا و زینتش حرام گرداند خدا بر او بهشت را ای ابن مسعود کسی یاد بگیرد علم را و عمل نکند به آنچه در آن است محشور نماید خدا او را در روز قیامت کور، و کسی که یاد گیرد علم را برای ریا کردن و شهرت که اراده می کند به آن دنیا را، بر می دارد خدا برکتش را و تنگ می گرداند بر او زندگیش را و او می گذارد خدا او را به خودش، و کسی که واگذارد خدا او را به خودش پس هلاک شود؛ فرمود خدای بلند مرتبه: پس کسی که باشد امید دارد ملاقات پروردگارش را پس باید انجام دهد کار نیکو و شریک نسازد به پرستش پروردگارش احدی را؛ ای ابن مسعود پس باید باشد همنشینان نیکوکاران و برادران پرهیزکاران و زُهاد، برای اینکه خدای بلند مرتبه فرمود در کتابش: دوستان در این هنگام بعضی از آنها مر بعضی را دشمنند مگر پرهیزکاران ای ابن مسعود بدان همانا ایشان می بینند کار نیک را بد و کار بد را نیک پس باین جهت مهر می زند خدا بر قلبهایشان پس نمی باشد در آنها شهادت دهنده به حق و راستی و نه فرمانروایان به عدالت؛ فرمود خدای بلند مرتبه: باشید فرمانروا بعدالت، گواهان برای خدا و اگر چه بر ضرر خودتان یا والدین یا خویشان؛ ای ابن مسعود برتری می جویند به همدیگر به حَسَبِهایشان و مالهایشان می فرماید خدای بلند مرتبه: و نیست برای کسی نزد او هیچ نعمتی که پاداش داده می شود مگر جستن رضای پروردگار بلند مرتبه اش (که برتر است) و هر آینه زود باشد که خشنود گردد.

بر هر انسانی است که راه مستقیم را برود وَلَوْ اینکه اکثر مردم وَلَوْ علماء، بر

راه ضلالت و غیر صراط مستقیم سلوک نمایند و دل‌بستگی بدنیا نداشته و تمام همّ و غمّش دنیا نباشد پس ای انسان بر تو باد به توبه از جمیع اعمال ناپسند و تفکر در اعمال و جبران مافات و به محاسبه اعمال قبل از اینکه محاسبه شوی و قبل از اینکه دیگر نتوانی توبه کنی پس توبه نما بسوی خداوند آمرزنده بخشاینده توبه‌ای نصوح و خالصانه.

**وَالسَّلَامُ عَلٰی مَنْ اَتَّبَعَ الْهُدٰى
وَلَعْنَةُ اللّٰهِ عَلٰى الْقَوْمِ الظّٰلِمِیْنَ
وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ اَوَّلًا وَاٰخِرًا**

منابع و مأخذ

قرآن مجيد

الارشاد

كمال دين و تمام النعمة

المستجد

روضه الكافي

الزام الناصب

بهار الانوار

و ساير كتب